



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



مجله علمی فقه‌پژای تطبیقی

Volume 1, Issue 5, 2022

Fair Competition of Technology Transfer in Intellectual Property through Security Measures

Fereshteh Asadpoor¹, Abbas Pahlavanzadeh*¹

1. Ph.D Student, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 127-149

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-4664-5694

TELL: +989122543840

Email: dr.pahlavanzadeh@yahoo.com

Article history:

Received: 03 Oct 2021

Revised: 09 Nov 2021

Accepted: 22 Jan 2022

Published online: 20 Feb 2022

Keywords:

**Intellectual Property,
Industrial Property, Security
Measures, Technology
Transfer.**

ABSTRACT

Exploring the mechanism of intellectual property rights to facilitate research activities and the transfer of advanced technology has created a challenge in curbing creativity and innovation, which has become a global debate. This research has examined the prospects and challenges of exploring intellectual property systems and security provisions in the law to stimulate creativity and innovation within the country and also with a view to the international arena. This research, with a library method and based on a descriptive and analytical approach, tries to examine the substantive and formal relationship between intellectual property rights and technology transfer. This study shows that the internal creativity and innovation of countries is directly related to the system and mechanism of intellectual property rights. In other words, the more effective regulations can support these rights and the production of science and innovation, the more technology can be transferred. The findings of this research show that in various laws related to intellectual property, e-commerce, cyberspace, etc., measures were taken to protect intellectual rights. However, measures such as temporary compensation orders are also considered in the laws of most countries, including Iran, as well as international conventions. Iran's laws, despite various weaknesses and gaps, are not aligned with international instruments that should support the legislation in this field with updated laws and in accordance with the progress of the day of the producers of science.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Asadpoor, F & Pahlavanzadeh, A (2022). "Fair Competition of Technology Transfer in Intellectual Property through Security Measures". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(5): 127-149.



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

دوره اول، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۰

جایگاه رقابت عادلانه انتقال تکنولوژی در مالکیت معنوی از رهگذر اقدامات تأمینی

فرشته اسدپور^۱، عباس پهلوانزاده^{۱*}

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

کاوش در مکانیسم حقوق مالکیت معنوی جهت تسهیل فعالیت‌های تحقیقاتی و انتقال فناوری پیشرفته، چالشی را در قامت مهار خلاقیت و نوآوری ایجاد کرده که مبدل به یک بحث جهانی شده است. این پژوهش، چشم‌اندازها و چالش‌های کاوش در سیستم‌های مالکیت فکری و تمهیدات تأمینی در قانون را جهت تحریک خلاقیت و نوآوری داخل کشور و نیز با نگاهی به عرصه بین‌الملل را بررسی کرده است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی سعی دارد ارتباط ماهوی و شکلی بین حقوق مالکیت فکری و انتقال تکنولوژی را مورد دقت نظر و بررسی قرار دهد. این مطالعه نشان می‌دهد خلاقیت و نوآوری داخلی کشورها با سیستم و مکانیسم حقوق مالکیت معنوی ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر هرچه مقرراتی کارآمد بتواند از این حقوق و تولید علم و خلق نوآوری حمایت کند، به همان میزان می‌توان انتقال تکنولوژی داشت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در قوانین مختلف مرتبط با مالکیت معنوی، تجارت الکترونیک، فضای سایبر و ... تمهیداتی جهت حمایت از حقوق معنوی در نظر گرفته شده است. باین حال اقداماتی چون تأمین خواسته و دستور موقت جهت جبران خسارت نیز در قوانین بیشتر کشورها، از جمله ایران و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی در نظر گرفته شده است. قوانین ایران علی‌رغم ضعف‌ها و خلأهای مختلف هم‌راستا و هم‌گرا با اسناد بین‌المللی نیز نبوده که می‌بایست در این عرصه قانون‌گذار با قوانین روزآمد و منطبق با پیشرفت روز از خلق علم و تولیدکنندگان علم حمایت نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۷-۱۴۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۶۹۴-۴۶۶۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۵۴۳۸۴۰

ایمیل: dr.pahlavanzadeh@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مالکیت معنوی، مالکیت فکری، مالکیت صنعتی، اقدامات تأمینی، انتقال تکنولوژی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

آزاد است، اما در مقابل، اغلب تمام فناوری‌های حاصل از تحقیقات مبتنی بر سرمایه‌های اشخاص خصوصی در پرتو مقررات عام و خاص حقوق مالکیت معنوی از سوی هر شخص صاحب حق محافظت می‌شوند. درحالی‌که حقوق مالکیت معنوی یک انگیزه اساسی برای اختراع و نوآوری فناوری‌های جدید در نظر گرفته می‌شوند، گاهی اوقات آن‌ها می‌توانند بر بازار فناوری انحصار ایجاد کنند و باعث قیمت‌های غیرعادی بالای محصول فناوری مربوطه شوند (Mahatab, 2022: 63). در این راستا، قانون رقابت می‌تواند از طریق نظارت بر سوءاستفاده از حقوق مالکیت معنوی از سوی کسانی که در موقعیت‌های مسلط در هر بازار فناوری خاص قرار دارند، تعادل بازار را ایجاد کند.

علاوه بر آنچه بیان شد، مقدمتاً باید افزود، هرچند در گفتمان حقوقی به‌ندرت از تمهیدات و اقدامات تأمینی استفاده شده است، با این حال، مقصود از تمهیدات تأمینی در این حوزه همان اقدامات تأمینی و موقتی (واحدی، ۱۳۷۱: ۵۰؛ متین دفتری، ۱۳۸۸: ۱۲) است که به‌صورت غالب از عناوینی چون قراردادهای تأمینی (شمس، ۱۳۹۹: ۲۶۸)، اقدامات موقتی و تأمینی (غمامی و محسنی، ۱۳۹۶: ۸۵) و اقدام موقتی (مهاجری، ۱۳۹۸: ۱۱۷) استفاده شده است، حتی برخی نیز از واژگانی چون ترتیب موقتی و تأمینی، اقدامات و ترتیبات تأمینی و تأسیس تأمینی و موقتی به‌کار برده‌اند (نهرینی، ۱۳۹۵: ۲۱۲). در موافقت‌نامه تریپس به‌موجب ماده ۵۰ نیز این عبارت، یعنی اقدامات تأمینی به اقدامات تأمینی و موقتی جهت جلوگیری از شروع و وقوع نقض اختصاص یافته است. به‌موجب این موضوع در بند ۲ ماده ۵۰، انجام اقدامات تأمینی مشخصاً در مواردی که تأخیر در انجام ممکن است موجب ورود خسارت هنگفت شود و یا زمانی که این خطر وجود دارد که مدارک معتبر از میان برود، ضرورت می‌یابد. گفتنی است به‌موجب بند ۳ همان ماده خواهان اقدامات تأمینی باید مدارک موردنیاز برای اثبات ادعای خود را همراه داشته و به‌موجب مدارک مستند مسؤل موردنظر را متقاعد سازد که اولاً دارنده حق مورد ادعا می‌باشد و دیگر حق موصوف از سوی خواننده دعوا نقض گردیده یا در آستانه نقض می‌باشد. این موضوع در عرصه بین‌کشوری در قالب انتقال تکنولوژی

فناوری‌ها هم از محصولات «سخت»، مانند ماشین‌آلات و تجهیزات درگیر در فرآیند تولید و هم از محصولات «نرم»، مانند علم و فناوری، مهارت‌ها، دانش فنی و ترتیبات سازمانی و نهادی مرتبط، از جمله کالاها یا خدمات به‌دست‌آمده تشکیل شده‌اند. بر این اساس، اصطلاح «انتقال فناوری» به انتقال ابزارهای محسوس و دانش ناملموس یا دانش مرتبط با ابزار، اشاره دارد. درخصوص این فرآیند، یعنی انتقال دانش و تکنولوژی، استدلال می‌شود که «تا زمانی که گیرنده فناوری فرآیند کامل استفاده از یک فناوری خاص را درک نکند، نمی‌توان ادعا کرد که انتقال فناوری صورت گرفته است» (Mahatab & Saiful, 2020: 11)، در نتیجه انتقال کامل فناوری زمانی صورت می‌گیرد که یک کشور دریافت‌کننده فناوری قادر به تولید مجدد و به‌کارگیری فناوری به‌تنهایی باشد.

در این فرآیند آنچه مطرح بوده و مطرح می‌شود، این است که دانش و فناوری اساس یک اقتصاد موفق را تشکیل می‌دهند که یکی از ابزارهای درک و واردکردن آن در نظام ساختاری هر کشوری می‌تواند به‌واسطه انتقال تکنولوژی صورت پذیرد. بنابراین انتقال فناوری در جهان امروز از اهمیت زیادی برخوردار است. دستیابی به فناوری جدید برای تمام کشورهایی که می‌خواهند یک امتیاز رقابتی در بازار را برای خود داشته باشند یا حفظ کنند، کاملاً حیاتی است، به‌ویژه که این تکنولوژی در استخراج مواد معدنی و انرژی و یا تولید محصولاتی از این مواد مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، حرکت دانش بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، تنش متقابلی را در پرتو ادعاهای مالکیت، نیاز عمومی درک شده و سیاست‌های تجاری ملی ایجاد می‌کند. این تنش را می‌توان در پرتو دوبخشی‌شدن تکنولوژی و رقابت حاکم بر آن تفسیر نمود.

با این حال، منابع مالی برای تحقیق و توسعه فناوری مربوط به دو بخش کاملاً متفاوت است: بخش دولتی و بخش خصوصی، اگرچه فناوری به‌دست‌آمده از بودجه عمومی اساساً توسط حقوق مالکیت معنوی محافظت نمی‌شود و برای عموم

در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گیرند تا ضمن جلوگیری از به‌هدررفتن زمان و انرژی، زمینه‌های بومی‌سازی علمی نیز فراهم گردد. این مهم زمانی حاصل می‌شود که مالکیت معنوی در انتقال فناوری، به‌مثابه یک نیروی حمایتی از صاحب فناوری نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین گسترش زیرساخت‌ها و تخصیص بودجه، ایجاد کارگروه‌های مجزا برای شاخه‌های مختلف تولید اثر، ارائه تفسیرهای بروز از مبانی اسلامی در ارتباط با مالکیت معنوی، اولویت‌دهی به پژوهش‌های کاربردی، ایجاد و حمایت از پارک‌های علم و فناوری، ایجاد ساختار اطلاعاتی استفاده از دانش جدید و جذب نوآوری و قابلیت انطباق، جهانی‌سازی و ورود به رقابت‌های جهانی، دفاع از حقوق مالک در مجامع داخلی و بین‌المللی و معرفی اولویت‌های سرمایه‌گذاری از بیشترین اهمیت در مدل برخوردارند (مهرگان و چرختاب مقدم، ۱۳۹۷: ۲۸۷).

۱-۱- انتقال تکنولوژی به‌موجب حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌المللی

در نگاه اول، حقوق مالکیت معنوی مالکیتی را به‌وسیله قدرت قانونی بخشیدن به نوآوران ایجاد می‌کند. این امر از سوءاستفاده دیگران از ابداعات و نوآوری‌های افراد پیشگیری کرده و به‌این‌ترتیب انگیزه‌ها و بازدهی‌ها بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه افزایش یافته و سودهای قابل‌توجهی را فراهم می‌آورد. نتیجه این اتفاق رشد اقتصادی خواهد بود، اما نگاه دوم بیان می‌کند که حمایت بیش‌ازاندازه از حقوق مالکیت معنوی به انتشار ناکافی دانش جدید منجر می‌شود و این امر رشد کندتری برای گسترش دستیابی به فناوری موجود را در پی دارد. نتیجه این اتفاق این است که کشورهای در حال توسعه از دستیابی به فرایند ابداعات و نوآوری‌های جدید بازمی‌مانند که در اختیار کشورهای توسعه‌یافته و صاحب فناوری است و بر شکاف فناوری میان کشورها افزوده می‌شود که نتیجه آن چیزی جز عملکردهای ضعیف رشد اقتصادی و سطوح پایین‌تر درآمدهای سرانه کشورهای در حال توسعه نیست (سلامی، ۱۳۹۸: ۶۲). با این حال مالکیت معنوی به‌عنوان یک حق می‌تواند در دست مالک آن قرار گرفته و تنها مالک است که می‌تواند تصمیم بگیرد که آن را

قابل‌تصور می‌باشد. بنابراین در نوشته‌های حقوقی خارجی ناظر به حقوق مالکیت فکری که بعد از موافقت‌نامه تریپس نگارش یافته‌اند، اغلب به تأسی از تریپس از عبارت فوق استفاده شده (جوهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳)، اما عبارات دیگری نیز که بیان شد، مفید همین مفهوم می‌باشد.

این مفاهیم را می‌توان در رویه حمایتی سازمان جهانی تجارت به‌موجب این موافقت‌نامه نیز به‌صورت محرز و مشخص و نیز گسترده مشاهده نمود. در موافقت‌نامه تریپس از اعضا خواسته شده تا رویه‌های مؤثری برای اجرای کلیه حقوق بر آفرینش‌های فکری مشمول موافقت‌نامه فراهم سازند. این رویه‌های اجرایی باید شامل وسایل فوری جبران خسارت برای جلوگیری از تخلف باشد. همچنین راهکارهایی برای پیشگیری، مقابله و توقیف نقض حقوق بر آفرینش‌های فکری از طریق اقدامات تأمینی و مقدماتی در مواد ۴۴ و ۵۰ این موافقت‌نامه بیان شده است. این رویکرد حمایتی را می‌توان در ماده ۵۱ در بازخورد با مقامات گمرکی نیز مورد اشارت قرار داد. در این‌راستا علاوه بر ماده ۴۴ که امکان متوقف کردن نقضی را که خواننده آن را از قبل شروع کرده می‌دهد، در ماده ۵۰ موافقت‌نامه تریپس نیز به اقدامات تأمینی و موقتی جهت جلوگیری از شروع و وقوع نقض اختصاص یافته است. به‌موجب این موضوع در بند ۲ ماده ۵۰، انجام اقدامات تأمینی مشخصاً در مواردی که تأخیر در انجام ممکن است موجب ورود خسارت هنگفت شود و یا زمانی که این خطر وجود دارد که مدارک معتبر از میان برود، ضرورت می‌یابد.

به‌هرحال، این پژوهش استدلال می‌کند که انتقال فناوری تا حد زیادی به رابط‌های متوازن هر دو حقوق مالکیت معنوی و قوانین رقابت وابسته است، زیرا هماهنگی حقوق مالکیت فکری‌ها مناسب و رژیم رقابت برای تسهیل نوآوری، انتقال و انتشار فناوری‌ها در مقیاس وسیع ضروری است.

۱- مالکیت معنوی و جلوه‌های انتقال تکنولوژی

توانمندسازی هر کشور در حوزه‌های علمی و فناوری نیازمند توجه به دانش بومی و استفاده از تجربیات کشورهای توسعه‌یافته در این حوزه است، لذا باید تولید و انتقال فناوری

انتقال دهد یا خیر، البته در صناعی، از جمله نفت و گاز یکی از شروط بهره‌برداری و یا حق امتیاز در بهره‌بردار که تحقیق، اکتشاف و استخراج را دربر می‌گیرد، انتقال تکنولوژی است که برخاستی از مالکیت‌های معنوی اشخاص و صاحب صنایع و تکنولوژی است.

لذا کشورها ماهیت راهبردی علم، فناوری و نوآوری را به‌عنوان نیروی محرکه قدرتمند تغییر، استیلا و تفوق اقتصادی و سیاسی می‌دانند، اما قبل از تجلی این باور، آنچه بایست در این عرصه مد نظر قرار گیرد، تمهیدات حقوقی است تا به‌واسطه آن بتوان این مهم را در هاله‌ای از حمایت‌های حقوقی قرار داد. تخصیص بودجه‌های مناسب در این عرصه حرکتی دیگر است که در پرتو مقررات حاکم می‌تواند استیلائی مورد نظر را تا حدودی تضمین نماید. این تقلا در نزد کشورهای در حال توسعه که ایران نیز جزئی از آن است، به‌شکلی دیگر نمود می‌یابد. در این کشورها علاوه بر تولید علم بایست مبالغی نیز اختصاص داده شود که مبنای علم از کشور خارج نشده و به نوعی فرار مغزها صورت نگیرد. موضوع تکنولوژی در همه جهات زندگی امروزی ریشه دوانده است. بنابراین تنها مقررات و قوانین مناسب است که می‌تواند جایگاه آن را در کشورها ثابت گرداند و موجبی در رشد آن‌ها گردد. آنچه در روند روبه‌رشد تکنولوژی در هر سرزمینی مد نظر بوده و ملاک قرار می‌گیرد، رشد این موضوع در صنایع نظامی است، اما رشد در این زمینه فضایی کاملاً سری را طلب می‌کند. بنابراین حفاظت و حمایت از تولید فکر در این عرصه وابستگی شدیدی به الزاماتی در قالب قانون دارد. همانطور که بیان شد، تولید علم در این حوزه موضوعیت دارد، لذا ناخواسته عرصه، مالکیت فکری و معنوی خواهد بود.

اگر بخواهیم مقررات حاکم بر مالکیت فکری را در حوزه انتقال تکنولوژی مورد بررسی قرار دهیم، بایست مقررات این قانون را در خصوص طرح‌های صنعتی مورد واکاوی نمود. همانطور که بیان شد، در این حوزه قبل از حمایت از تولید علم، بایست فضایی را برای تجلی و نمود تولیدکننده علم فراهم نمود. در ایران به‌دلیل انحصار تولید علم در تکنولوژی صنایع نظامی موضوع را مهم‌تر در نظر گرفته است. بنابراین

می‌توان علاوه بر مقررات عام در این خصوص به مقرراتی خاص نیز اشاره کرد، درحالی‌که مزیت‌های تکنولوژیک جهت حفظ موقعیت رقابتی در بسیاری از صنایع ضرورت دارد، تبدیل مزیت‌های تکنولوژیک به مزیت‌های رقابتی نیز پیش‌نیازهای خاصی را می‌طلبد. در کنار خلق تکنولوژی از طریق پژوهش و توسعه درون‌زا، مدیریت و سازماندهی انتقال تکنولوژی به‌مثابه یکی از روش‌های مؤثر دستیابی به تکنولوژی موردنیاز به ضرورتی انکارناپذیر در راه توسعه تکنولوژی تبدیل شده است. انتقال تکنولوژی حالت خاصی از دگرگونی تکنولوژیک است که در ۳ مرحله اختراع، نوآوری و انتشار صورت می‌گیرد. رشته مالکیت‌های معنوی در علم حقوق به حفظ و حمایت از تراوشات فکری، ابداعات، نوآوری‌ها و اختراعات می‌پردازد. مالکیت‌های مذکور، از جمله حقوقی است که در تمامی دنیا از سوی قانون‌گذار و عرف دارای اهمیت شناخته شده است. در اقتصادهای مبتنی بر تکنولوژی پیشرفته همچنانکه سرمایه‌گذاران از نظر زمان، هزینه و سرمایه منتفع می‌شوند، در صورت حمایت مناسب از حقوق مالکیت معنوی آنان، کشورهای میزبان این تکنولوژی نیز به منافع بسیاری نائل خواهند شد (رزمی، ۱۳۹۱: ۶۵).

انتقال تکنولوژی در متون بین‌المللی غالباً به فروش یا قراردادهای لیسانس، مالکیت فکری مربوط می‌شود، اما در واقع انتقال تکنولوژی شامل هر روش و فرآیندی می‌شود که از طریق آن استفاده‌کنندگان در یک کشور می‌توانند به تکنولوژی موجود در کشور دیگر دست یابند و از آن بهره‌برداری کنند. بحث انتقال فناوری بیشتر بر گرد «آموزش»، نوعی راز و رمز تولید از یک طرف و «فراگیری» و به‌کار بستن آن از طرف دیگر دور می‌زند، یعنی دست‌کم در تئوری، در حوزه فرضیه‌های مربوط به «آموزش / فراگیری» قرار داریم نه در حوزه مسائل فنی و تکنیکی. به‌عبارت بهتر سروکار ما با نرم‌افزارهای انسانی است نه با سخت‌افزارهای ماشینی، حتی اگر آموزش و فراگیری به‌طور مستقیم در رابطه با به‌کار انداختن و بهره‌برداری از این‌گونه ماشین‌ها باشد.

در این راستا تأثیر حقوق مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی یک مفهوم خاص و پیچیده است. به‌طور کلی تکنولوژی به

فناوری‌اند. از این جهت که فناوری را یک مال و دارایی شخصی ارزشمند قلمداد می‌کنند. پس ما با دو رویکرد متفاوت در حمایت مواجه هستیم. هر یک از طرفین تنها منافع خویش را در نظر می‌گیرد و اهداف متفاوتی از حمایت فناوری و حفاظت از تنوع زیستی در نظر دارند، هرچند موافقت‌نامه تریپس در راستای تبیین این مهم این اختلاف دیدگاه را به حداقل رسانیده است و نمی‌توان ادعا کرد کشورهای در حال توسعه آنچه را در راستای تولید علم به‌دست آورده‌اند، به رایگان و راحتی در اختیار کشورهای قرار دهند.

۲-۱- انتقال تکنولوژی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

این یک واقعیت است که انتقال تکنولوژی با روش‌های متعددی برای انتقال ایده‌ها و فناوری‌ها ذکر شده است که در شاکله تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌شود: نخست واردات محصولات با تکنولوژی بالا (Kwark & Shyn, 2006: 94; Coe & Hoffmaister, 1995: 871; Coe & Helpman, 1995: 107; 1997: 107)، ارائه و کارسازی فناوری خارجی، پذیرش مستقیم فناوری خارجی (Soete & Patel, 1985: 986) و جذب سرمایه انسانی (Le & Bodman, 2011: 43; Park, 2004: 318)، علاوه‌براین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌عنوان یکی از عوامل اصلی انتشار فناوری در مرزها در نظر گرفته می‌شود، زیرا ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل دانش در مورد فناوری‌ها و مواد جدید، روش‌های تولید یا مهارت‌های مدیریت سازمانی است.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، باید اذعان کرد اولویت‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه شامل دستیابی به رشد مستمر درآمد در اقتصاد از طریق افزایش نرخ سرمایه‌گذاری، تقویت ظرفیت‌های تکنولوژیک و مهارتی، بهبود توان رقابت‌پذیری محصولات صادراتی، توزیع منافع رشد به‌صورت عادلانه از طریق ایجاد موقعیت‌های شغلی بیشتر و بهتر و حمایت از محیط زیست برای نسل آینده است.

امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کانال مهمی برای به‌دست‌آوردن منابع

دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌گردد. بخش سخت‌افزاری تکنولوژی از تجهیزات و ماشین‌آلات تشکیل شده و بخش نرم‌افزاری آن ناشی از تراوشات فکری انسان است و حمایت و تضمین حفظ آن‌ها از دستبرد از این بخش را «حقوق مالکیت معنوی» برعهده دارد. مالکیت فکری یک مقوله حمایت از دارایی‌های غیرمنقول مربوط به قوه تفکر انسان است که از نظر تجاری ارزشمند بوده و به خلاقیت‌های ذهنی مانند اختراعات، آثار ادبی و هنری و همچنین نشانه‌ها، نام‌ها، تصاویر و طرح‌های به‌کاررفته در تجارت مربوط است. حقوق مالکیت فکری قادر است که یک وضعیت انحصاری را در جایی که توزیع دانش به‌علت دسترسی مشروط و قیمت‌های بالاتر تکنولوژی‌های موافق آب و هوا محدود شده است، به‌وجود آورند. این اطمینان که از حقوق مالکیت فکری حمایت می‌شود دارندگان را تشویق می‌نماید تا تکنولوژی خود را به کشورهای دیگر انتقال دهند، اما فقدان حمایت مناسب از حقوق مالکیت فکری در کشورهای گیرنده تکنولوژی می‌تواند مانع انتقال آن گردد. درواقع مالکیت فکری هم یک محرک و هم یک مانع برای انتقال تکنولوژی محسوب می‌شود. از طرفی دیگر می‌توان بیان نمود که به‌علت پایین‌بودن جریمه‌های شرکت‌های مختلف در مواردی چون مرگ‌ومیر و ازکارافتادگی و نیز صدمات محیط زیست در کشورهای در حال توسعه این کشورها در فرض انتقال تکنولوژی بیشتر دریافت‌کنندگان تکنولوژی‌های خطرناک یا مضر به محیط زیست هستند.

باین‌اوصاف عرصه انتقال تکنولوژی در بازخورد با صنایع نظامی از اهمیت و حساسیت فزاینده‌ای برخوردار می‌باشد، لذا انتقال‌دهنده تنها به‌منظور استفاده و بهره‌برداری آن را منتقل می‌کند و درنهایت تحت قرارداد لیسانس آن را در کشور منتقل‌الیه، گسترش می‌دهد. با این دیدگاه باید بیان کرد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هر یک دیدگاه متفاوتی درخصوص حمایت از فناوری دارند. این کشورها خواهان چنان حمایتی هستند که انتقال و دسترسی را تسهیل نماید. این کشورها مدعی‌اند که فناوری یک دارایی مشترک یا مشاع است و باید به‌صورت رایگان به اشتراک گذاشته شود. کشورهای توسعه‌یافته مدافع تلاش‌ها برای حمایت از

همچنانکه ابداعات به وجود می‌آیند و الگوهای مصرف تغییر می‌کنند. آن‌ها می‌توانند موجب ترغیب کارایی تکنولوژیک و تغییرات فنی در بنگاه‌های محلی، عرضه‌کنندگان مشتریان و رقبا گردند (خاتمی، ۱۳۷۶: ۸۱)، پس تکنولوژی می‌تواند ابزاری ترغیب‌کننده برای سرمایه‌پذیری به‌خصوص در کشورهایی که نفت‌خیز می‌باشند، باشد. در این فرایند انتقال تکنولوژی وقتی صورت می‌پذیرد که موضوع مالکیت معنوی آفریده‌های تکنولوژیک به صورت قانونی در دست سرمایه‌گذار باشد. این انتقال مالکیت جهت انتقالی گسترده‌تر به شرکت‌های دیگر یا کشورهای مختلف به وسیله قوانین ملی و فراملی تنظیم می‌گردد.

گام دیگر برای سرمایه‌گذاری از یک سو و انتقال تکنولوژی از سوی دیگر دسترسی به بازار می‌باشد، پس شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات که هم‌اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود را به وجود آورند و به آنان کمک می‌کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را به وادی فعالیت‌های جدید بکشانند که این امر موجب می‌گردد از مزیت‌های نسبی کشورشان بیشتر بهره‌مند گردند (خاتمی، ۱۳۷۶: ۸۲). موضوع دیگر در این فرایند بهره از نیروی انسانی کارآزموده می‌باشد.

بنابراین نیروی انسانی کارآزموده و دارای مهارت و فنون مدیریت می‌تواند موجهی در سرمایه‌گذاری باشد که به واسطه تکنیک‌های تکنولوژیک اجرای این مهارت را هموار می‌کنند. شرکت‌های سرمایه‌گذار به نیروی انسانی با مهارت‌های پیشرفته و دانش دسترسی جهانی دارند و می‌توانند آنان را به سادگی در استخدام درآورند. بنابراین می‌توانند این گونه مهارت‌ها و دانش را به شرکت‌های خارجی مرتبط مستقر خود در کشورهای در حال توسعه از طریق آوردن متخصصین و آموزش منتقل نمایند (خاتمی، ۱۳۷۶: ۸۳). بنابراین اینکه آیا سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر منجر به نیروی کار آموزش دیده بهتر می‌شود یا خیر باید اذعان داشت که کشورهایی که از رژیم سرمایه‌گذاری بین‌المللی نسبتاً بازتری استفاده کرده‌اند، معمولاً سریع‌تر از سایر کشورهایی که چنین ریکردی را اتخاذ

موردنیاز و نیز انتقال تکنولوژی به نحوی برای توسعه در نظر گرفته و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، ولی تأثیر اقتصادی سرمایه‌گذاری خارجی را نمی‌توان به‌طور دقیق اندازه‌گیری کرد، زیرا هر شرکت فراملیتی معرف مجموعه پیچیده‌ای از بنگاه‌هاست که از نظر کیفی و کمی به نسبت متفاوت در کشورهای مختلف پراکنده‌اند، لذا روش دقیقی برای اندازه‌گیری تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر انتقال تکنولوژی داشته و بر متغیرهای اقتصاد کلان کشور سرمایه‌پذیر وجود ندارد (خاتمی، ۱۳۷۶: ۷۴).

دلایلی که به نظر آنکتابد شرکت‌های سرمایه‌گذار از طریق سرمایه‌گذاری خارجی می‌توانند به توسعه اقتصادی کمک نمایند، به شرح زیر است:

نخست موضوع سرمایه می‌باشد. بنابراین منابع مالی را به کشور میزبان می‌آورد. ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ثبات‌تر و بازپرداخت منافع آن آسان‌تر از بدهی بازرگانی یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار (FPI) می‌باشد. در متمایز کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سایر منابع سرمایه، شرکت‌های سرمایه‌گذار معمولاً در طرح‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌کنند (خاتمی، ۱۳۷۶: ۷۹). این فرایند خود می‌تواند در انتقال تکنولوژی نیز کمک کند، چراکه وقتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت پذیرد، سرمایه‌گذار به دلیل منفعت‌محوری بازرگانی، سعی دارد با ارائه هر روشی از جمله انتقال تکنولوژی بیشترین بهره و سود را از سرمایه‌گذاری خود ببرد.

دومین گام در مسیر سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی موضوع تکنولوژی است که می‌تواند یکی از ابزارهای شروع سرمایه‌گذاری به‌ویژه در صنایع بالادستی، از جمله نفت و گاز باشد. بنابراین شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند تکنولوژی مدرن را با خود بیاورند. آنچه معمولاً بدون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میسر نیست. این تکنولوژی‌ها می‌توانند به افزایش کارایی کمک نمایند و با استفاده از تجربیاتشان در دیگر کشورهای در حال توسعه موجب انطباق تکنولوژی با شرایط محلی گردند. آن‌ها ممکن است در برخی موارد امکانات را به وجود آورند و به تبع آن ارتقای تکنولوژی را موجب گردند،

به دلیل سیاست‌های صنعتی قبلی که حمایت‌گرایی از بخش‌های منتخب را ایجاد و رفتارهای ضدرقابتی را موجب می‌شد، کاهش یافته است. این قانون عموماً قانون رقابت جامعی را در سطح ملی ارائه می‌کند که همه بخش‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. از آنجایی که قوانین حاکم بر رقابت‌ها در اکثر کشورهای صنعتی وجود دارد، قوانین رقابت عموماً با هدف اطمینان از رعایت اصول رقابت آزاد و منصفانه توسط همه شرکت‌کنندگان در بازار است. این قوانین یک همگرایی تام با مقررات مرتبط با مالکیت فکری دارد که هر یک در کنار هم می‌تواند موضوع بازار و سرمایه را به نحو مطلوب گسترش دهد. در تمام حوزه‌های قضایی که تا به امروز چنین اشکالی از قانون رقابت را پذیرفته‌اند، قوانین به‌طور قابل توجهی در شرایط داخلی یا منطقه‌ای آن‌ها متفاوت است، اما آنچه در این فرایند می‌تواند شبیه باشد، چشم‌انداز این قوانین در نمود و توسعه قوانین حمایت از مالکیت فکری و معنوی است که در ذیل این مهم و ارتباط تنگاتنگ آن مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱- قوانین ضدرقابت در راستای حمایت حقوقی - تأمینی از حقوق معنوی

هر نوع اطلاعاتی که دارای ارزش اقتصادی مستقل، بالقوه یا بالفعل یا ارزش رقابتی است به‌جهت آنکه عموماً ناشناخته می‌باشد و به سادگی و از طرق قانونی قابل دستیابی یا احراز نیست و دارنده تدابیر متعارفی را برای حفظ محرمانگی آن ترتیب داده است، راز تجاری محسوب می‌شود، پس باید اذعان کرد راز میان سه نفر، رازی عمومی است. این تعبیر از مارزین، حقوقدان فرانسوی، لزوم حمایت از اطلاعات محرمانه را آشکار می‌سازد. در هیچ سند بین‌المللی به جز تریس راجع به اسرار تجاری بحث نشده است و همچنین در حقوق ایران، به‌طور صریح و روشن از اسرار تجاری حمایت نشده است. همین امر می‌تواند در بحث انتقال تکنولوژی چالش‌برانگیز بوده و انگیزه‌ها جهت انتقال آن کم و کمتر شود.

در بازخورد با اسرار تجاری موضوع دیگری احیا می‌گردد و در نزد سرمایه‌داران و صاحبان موضوعات مهم تجاری (علائم، نشانه‌ها و...) موضوع رقابت و نیز عدم رقابت می‌تواند اسرار

نکرده‌اند، رشد داشته‌اند. پس این واقعیت که FDI دانش فناوری را منتقل می‌کند که می‌تواند شاکلتاً حق مالکیت فکری را دربر گیرد، همچنین به موجودیت سرمایه فیزیکی کمک کرده و گشایش سرمایه‌گذاری مستقیم فیزیکی شده که جریان‌های تجاری و مالی در این عرصه، محرک مهمی برای رشد اقتصادی است (Bodman, 2013: 1031). بنابراین به نظر می‌رسد جدا از اینکه سرمایه انسانی برای ارتقای مستقیم سطح فناوری ضروری است، برای توانایی یادگیری از منابع فناوری خارجی نیز ضرورت دارد.

۲-۲- مکانیزم‌ها و راهکارهای تأمینی - حقوقی و حمایتی تجارت اموال فکری در راستای رقابت عادلانه

قانون رقابت در سال‌های اخیر مورد توجه فوق‌العاده‌ای قرار گرفته است. این زمینه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه در نتیجه دگرگونی اقتصادی که قوانین رقابت را در دستور کار ملی آن‌ها قرار می‌دهد، گسترش جغرافیایی را تجربه کرده است. هدف اصلی قوانین رقابت، تقویت رقابت آزاد و منصفانه بین شرکت‌ها و محافظت از مصرف‌کنندگان در برابر تجارت ناعادلانه است. آنچه در مقررات مرتبط با رقابت مهم و اساسی است و سعی می‌شود در این مبحث بیان گردد، ارتباط این حقوق با مالکیت فکری است و جهات حمایتی آن از این عرصه می‌باشد. در ذیل این مهم در قامت حمایت‌ها و حفاظت‌ها از آثار فکری با توجه به استراتژی قانونی بررسی می‌گردد.

۲-۱- تمهیدات تأمینی در پرتو سیاست‌های تقنینی

تا به امروز، بیش از ۱۲۰ کشور در جهان دارای قوانین رقابت با پیشرفته‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین قوانین موجود در اتحادیه اروپا (EU) و ایالات متحده (ایالات متحده) هستند. مالزی با تصویب قانون رقابت ۲۰۱۰ (CA ۲۰۱۰) که در ۱ ژانویه ۲۰۱۲ لازم‌الاجرا شد، قوانین رقابتی خود را معرفی کرده است. هدف اصلی این قانون ترویج فضای بازار رقابتی و فراهم کردن زمینه بازی برابر برای همه است. فوریت اجرای چنین قانونی دلایل متعددی داشت که مهم‌ترین آن‌ها ترویج و تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشور است. دولت متوجه شد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

حمایت قانونی لزوماً یک نظریه یا اختراع منحصر به فرد یا به طور کلی تحت حمایت شاخه خاصی از حقوق مالکیت فکری نیست، بلکه می‌تواند ترکیبی از روش‌های مخصوص یا اختراعاتی باشد که هر کدام به تنهایی چندان مورد توجه نیستند. برخی از اطلاعات قابلیت ثبت دارند، اما برخی اطلاعات ارزشمند، فاقد مشخصات قانونی برای ثبت هستند یا اگرچه مشخصات قانونی برای ثبت را دارا می‌باشند، ولیکن ارزش مالی آن‌ها تا جایی بالا می‌باشد که اگر در قالب اختراع ثبت شوند، ملازمه با افشا و در نتیجه امکان دسترسی عموم مردم به محتوای فنی اطلاعات مربوطه را دارند. بسته به شرایط و نوع رابطه میان دارنده اطلاعات محرمانه و دیگران، حمایت از اسرار تجاری به طرق مختلفی صورت می‌گیرد که شایع‌ترین و امن‌ترین آن استفاده از قراردادهای محدودکننده است، زیرا با لحاظ اینکه مالک به صورت اختیاری و با اراده خود راز تجاری‌اش را تحت تصرف دیگری قرار می‌دهد. بنابراین ضمانت اجرای کیفری موضوعیت پیدا نمی‌کند. در حقوق آمریکا در زمینه اسرار تجاری از قوام و سابقه قابل توجهی برخوردار است و قواعد آن همواره مورد توجه کشورهای بوده است که تجربه چندان در این خصوص نداشته‌اند. مهم‌ترین قانونی که در حقوق آمریکا به موضوع اسرار تجاری اختصاص دارد، «قانون یکنواخت اسرار تجاری» است. در ماده ۱(۴) این قانون، اسرار بدین ترتیب تعریف شده است: «راز تجاری به معنای اطلاعاتی که آن اطلاعات شامل فرمول، الگو، فراگرا، برنامه، ابزار، شیوه، فن یا فرایند است.» در این ماده جهت تبیین موضوع آمده است، این اطلاعات دارای ارزش اقتصادی مستقل و بالقوه یا بالفعل است. از این جهت ناشناخته این و به راحتی از طرق قانونی، به وسیله اشخاصی که از استفاده یا افشای آن می‌توانند ارزشی اقتصادی تحصیل کنند، قابل دستیابی (احراز) نمی‌باشد؛ دوم نیز موضوع تلاش‌های است که با توجه به اوضاع و احوال برای حفظ محرمانگی (راز) متعارف است. همچنین قانونی چون «اولیت بازخوانی مسؤلیت مدنی ۱۹۳۹» یا «مجموعه قواعد حقوقی مسؤلیت مدنی» که در ماده ۷۵۷ به عناصر اسرار تجاری پرداخته است (قبولی درافشان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

موصوف در تجارت را دستخوش تحول قرار دهد. در توصیف این موضوع باید گفت: شرط عدم رقابت که یک امر متعارف در تجارت می‌باشد، توافقی ناظر بر تحدید یا منع رقابت می‌باشد. توافقی که اختیارات اشخاص را در اشتغال محدود می‌کند (Chantal, 2008: 4). با این حال به صورت جامع، به نظر قرارداد عدم رقابت، توافقی تبعی است که به موجب آن، شخصی تعهد می‌کند تا به منظور حفظ منافع مشروع، برای مدت محدود و متعارف و در قلمرو جغرافیایی مشخصی که متناسب با حدود منافع متعهدله هستند، به نحو مستقیم یا غیرمستقیم، از انجام فعالیت‌هایی که متضمن رقابت با متعهدله باشد، خودداری کند (رهبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶). حال با این مفهوم می‌توان یکی از مجراهای عدم رقابت را حفظ اسرار و حمایت از اسرار تجار دانست که این مهم در مقوله عدم افشای اطلاعات محرمانه مورد توجه قرار می‌گیرد. پس این فرایند (عدم رقابت) و (حفظ اسرار) که برخاستی از حقوق مالکیت فکری در مواجهه از استفاده از آن به‌ویژه در عرصه تکنولوژی و انتقال آن محسوب می‌گردد، به هم پیوسته نموده که هر یک بسته‌ای حمایتی برای دیگری به‌شمار می‌رود. به هر حال وظیفه عدم افشای اطلاعات محرمانه عموماً ناشی از یک رابطه قراردادی بین صاحب اسرار تجاری و شخص یا اشخاصی است که راز تجاری به آن‌ها اطلاع داده شده است. این ممکن است یک قرارداد کار، یا یک قرارداد مجوز، یک قرارداد OEM، یک قرارداد راه‌اندازی، یک قرارداد برای کار، یک سرمایه‌گذاری مشترک، یک مشارکت و امثال آن باشد، اما آنچه در این فرایند و در قراردادهای مورد هدف موضوعیت دارد، قرارداد حفظ اسرار محرمانه موضوع قرارداد می‌باشد. برای دستیابی به آن ممکن است به صورت مستقل بوده و جداگانه انجام شود، یا در یک شرط از قرارداد دیگری گنجانده شود. با این حال فرایند قرارداد مزبور تعهد قراردادی برای طرف امضاکننده است. تعهدی که ممکن است صریحاً شخص موردنظر را مخاطب قرار داده باشد یا در واقع متضمن آن باشد.

نکته ظریف در حقوق اسرار تجاری این است که راز تجاری اغلب حمایت از اطلاعات کاربردی با ارزشی را شامل می‌شود که اصولاً ریشه در مالکیت فکری اشخاص دارد، پس مشمول

مالکیت فکری، از سوی دیگر اصولی را برای آن محرز می‌کند که در همه نظام‌های حقوقی می‌تواند موضوع پژوهشی باشد که در یک مدار قرار دارد. اینکه موضوع قرارداد حفظ محرمانگی جهت حفظ اهمیت مالکیت فکری و فکر آفرینش شده در قالب اثری هنری، صنعتی، ادبی و ... اگر بخواهد تا در رقابت‌پذیری و قرارداد عدم رقابت تأثیر داشته باشد، بایست معین باشد. پس قرارداد باید به‌وضوح معین سازد که چه نوع اطلاعات و یا موضوع و یا شیء‌ای را موضوع قرارداد قرار می‌دهد. باید از عبارات کلی برای بیان مقصود پرهیز شود. این امر مانع از آن می‌شود که متعاقب دریافت اطلاعات، طرف مقابل مدعی شود که تعهد وی به آنچه دارنده اسرار ادعا می‌کند، قابل سرایت نیست.

۲-۱-۲- اقدامات حقوقی تأمینی از حقوق مالکیت فکری در حمایت از رقابت عادلانه

در پیش‌نویس قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری که شور اول آن در تاریخ ۱۳۸۳/۰۴/۰۷ در مجلس شورای اسلامی گذشته است. برای هریک از موارد مشمول حمایت به‌نحو جداگانه و با عبارات مختلف که بعضی از آن‌ها چندان رسا نیست، به مالک اجازه طرح دعوی جهت جلوگیری از نقض قریب‌الوقوع حق داده شده است. این نگرش در اراده تقنینی قانون‌گذار و به‌موجب ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ به منصفه ظهور رسید. این رویکرد را می‌توان در ماده ۵۰ موافقت‌نامه تریپس نیز مورد واکاوی قرار داد. صدر ماده موصوف مقرر می‌دارد: «مقامات قضایی از این اختیار برخوردار خواهند بود که دستوراتی در مورد اقدامات موقتی فوری و مؤثر به منظورهای زیر صادر نمایند: ...»، بنابراین در این موافقت‌نامه نیز می‌توان تدابیر تأمینی و موقتی را در مواجهه با حقوق صاحبان حقوق فکری مورد اشاره قرار داد. بند ۷ از ماده ۵۰ موافقت‌نامه مزبور که تنها ماده بخش سوم است، به اقدامات موقتی می‌پردازد و حاوی مقررات شکلی مهمی در رسیدگی به تخلفات صورت‌گرفته و به‌ویژه تخلفاتی که احتمال نقض قریب‌الوقوع دارند، ارائه می‌دهد. هدف از اقدامات تأمینی با این نگرش در حوزه مالکیت معنوی پیشگیری از ارتکاب جرم نسبت به این حقوق (اعم در قلمرو

در حقوق ایران نیز در قانون تجارت الکترونیکی، در ماده ۶۵، به‌این‌صورت به تعریف اسرار تجاری پرداخته است: «اسرار تجاری الکترونیکی» داده پیمایی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزار و تکنیک‌ها و فرآیندها، تألیفات منتشرنشده، روش‌های انجام تجارت دادوستد، فنون، نقشه‌ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرح‌های تجاری و امثال این‌ها است که به‌طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عمومی قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آن‌ها انجام شده است.

همچنین قانون‌گذار در ماده ۴۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه موسوم به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می‌شود ممنوع است: ... بند «ح»: ترغیب، تحریک و یا وادار ساختن یک یا چند سهامدار، صاحب سرمایه، مدیر یا کارکنان یک بنگاه با شرکت رقیب از طریق اعمال حق رأی، انتقال سهام، افشای اسرار، مداخله در معاملات بنگاه‌ها و یا شرکت‌ها یا روش‌های مشابه دیگر به انجام عملی که به ضرر رقیب باشد.» همانطور که دغدغه قانون‌گذاران در کشورهای مختلف، از جمله در نظام حقوقی ایران نیز مشخص است حمایتی همه‌جانبه از اسرار تجاری که با صورت گسترده در حوزه مالکیت اعم از مالکیت مادی و به‌ویژه معنوی و فکری را دربر می‌گیرد، از جمله طرق حمایت از این اسرار علاوه بر تمهیدات قانونی و صورت‌های عینی، رهیافت‌های قراردادی و به‌موجب قراردادهای محدودکننده رقابت نیز می‌باشد که هریک از کشورها آن را به نوعی پذیرفته و مقرراتی را در راستای حفظ آن‌ها در نظر گرفته است. این موضوع را می‌توان در این واقعیت جستجو کرد که اسرار تجاری علاوه بر ارزش مستقل، مزایای رقابتی برای دارنده خود نیز فراهم می‌آورند، بدین‌معنی که راز تجاری، دارنده را از لحاظ رقابتی نسبت به رقبای خود که وقوفی به چنین اطلاعات محرمانه‌ای ندارند، در موضع قوی‌تری قرار می‌دهد پس دربردارنده اهمیت فزاینده‌ای است.

از سویی ارتباط بین قرارداد عدم رقابت و حفظ محرمانگی از یک‌سو و تمهیدات آن در جهت جایگاه رعایت حقوق در حق

دادگاه تصریح به آن داشته باشد...»، همانطور که ملاحظه می‌شود، ماده ۱۸۲ نیز به مالک هر اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری یا قائم مقام قانونی او اجازه داده که کالاهایی را که با حق حاصل از اختراع یا طرح صنعتی و یا علامت تجاری او مخالف است، توقیف کند.

اینکه مقررات راجع به دستور موقت در حوزه طرح‌های صنعتی در ماده ۱۸۳ مورد توجه قانون‌گذار بوده، در ماده ۱۸۲ نیز بیان شده است، نمی‌تواند بر اثر مسامحه باشد، یعنی توقیف مذکور یا به موجب مقررات مرتبط با تأمین خواسته یا نهاد دستور موقت پذیرفته شده است، پس اینکه توقیف مورد نظر در ماده ۱۸۲ می‌تواند همان توقیف در ماده ۱۸۳ قانون موصوف باشد، به دلایل مذکور قابل توجیه است، چراکه عبارت دو ماده تفاوت چندانی ندارد، اما تفاوت اساسی آن‌ها در دو واژه «مخالف» حق اختراع مالک اختراع در ماده ۱۸۲ و «محصولات ناقص» حقوق ادعایی در ماده ۱۸۳ می‌باشد.

با این نگاهی می‌توان ادعا کرد نوع توقیف در ماده ۱۸۲ نمی‌توان توقیف ناشی از نهاد دستور موقت باشد. دلیل این ادعا به این امر مسلم برمی‌گردد که قانون‌گذار اگر قرار بود هر دو موضوع بیان‌شده در دو ماده را به موجب دستور موقت مورد توقیف قرار دهد، در یک ماده قرار می‌داد. حال آنکه ماده ۱۸۲ مترصد مقرراتی است که ماهیتاً با آنچه به موجب ماده ۱۸۳ بیان شده، متفاوت است. بنابراین نمی‌توان مدعی شد که هر دو یک قلمرو را دربر می‌گیرد، چراکه اگر چنین بود نیاز به تکرار یک محتوا در دو ماده نبود. از منظر شأن قانون‌نویسی نیز از ساحت قانون‌گذار این میزان اطلاع منتسب نیست. از طرفی مقررات در این حوزه بعید است درخصوص اقدامات تأمینی باشد، اما توجهی به تأمین خواسته نداشته باشد (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۶۱).

مورد دوم که به نظر می‌رسد، بایست ماده ۱۸۲ را خارج از موضوع دستور موقت دانست، همانطور که در فوق بیان شد، عبارات دو ماده با هم متفاوت است، چراکه در یکی بحث مخالفت می‌باشد و در دیگری نقض که وسعت و قلمرو معنایی هر یک با هم متفاوت است. از طرفی نگاه به پیشینه تقنین این دو ماده که بیانگر مواد ۶۳ و ۶۴ آیین‌نامه اصلاحی

مالک و یا استفاده‌کننده قانونی حق) و نیز حفظ ادله مربوطه درخصوص تخلف ادعا شده است. موضوعی که می‌توان از آن به‌عنوان رویکرد منسجم در تقابل با رقابت‌های ناسالم و غیرعادلانه و سوءاستفاده و یا عدم ایفای تعهدات نسبت به صاحبان این حقوق بهره برد.

در مقام تبیین آنچه بیان شد، می‌توان به معترض در دعوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعاوی جزائی اشاره کرد که می‌تواند در هر موقع از مراجع قضایی صدور قرار تأمین دلیل یا توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی یا تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش یا ورود اجناس تقلبی و تقلیدی را بنماید. این موضوع به‌ویژه در مورد اقدامات تأمینی در مورد محصولات تقلبی و توقیف اجناس تقلیدی که می‌تواند در رقابت عادلانه طواری گسترده ایجاد کند، مورد توجه قرار گرفته است. به‌رحال به‌موجب مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری چنانچه مشخص است سه حق مختلف برای متقاضی وجود دارد: نخست: تأمین دلیل؛ دوم: درخواست توقیف کالا؛ درنهایت نیز دستور موقت درخصوص توقیف محصولات.

با این حال شایان ذکر است: در قوانین ایران در ماده ۱۸۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری؛ ابهامی درخصوص توقیف اموال به‌موجب دستور موقت قابل بحث می‌باشد. در این ماده توقیف کالا پیش‌بینی گردیده است، اما مشخص نیست این توقیف در چه شکله و چارچوبی صورت می‌پذیرد. به‌عبارت‌دیگر توقیف مورد نظر در این ماده مشخص نمی‌کند در قالب نهاد تأمین خواسته می‌باشد یا به‌موجب دستور موقت. ماده موصوف مقرر می‌نماید: «مالک هر اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری یا قائم مقام قانونی وی حسب مورد می‌تواند به‌موجب امر نزدیک‌ترین دادگاه عمومی محل که کالاهای مورد ادعا در آن محل است، صورت مشروعی از کالاهایی که به ادعای او با حق حاصل از اختراع و یا طرح صنعتی و یا علامت تجاری او مخالف است، بردارد. اجرای امر فوق در صورتی که کالاها هنوز در گمرک باشند، به‌وسیله مأمورین گمرک والا به‌وسیله مأمور اجرا به‌عمل خواهد آمد... توقیف کالاهای مزبور وقتی ممکن است که امر

۲-۱-۳- مسؤولیت‌زایی در حوزه مقررات مبتنی بر رقابت در

راستای حمایت از انتقال تکنولوژی در حوزه ملی و فراملی

با ظهور بی‌سابقه رایانه‌ها و اینترنت و محبوبیت روزافزون تجارت الکترونیک، حقوق مالکیت فکری اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. با این حال، این روند افزایش وابستگی به اینترنت و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) یک جنبه منفی دارد، یعنی مشکلی که در شناسایی و حفاظت از نقض مالکیت معنوی در فضای مجازی ایجاد می‌شود، چالشی جدی است که به دلیل رشد سریع این فضا، کمتر به تمهیدی جهت محافظت از این گونه آثار فکر شده است. مشکل این است که چگونه می‌توان از حقوق مالکیت معنوی خود محافظت کرد و از استفاده غیرمجاز آن در فضای به حدو حصر آنلاین جلوگیری کرد. به دلیل سهولت دسترسی، کپی و انتقال داده‌ها و ناشناس بودن مرتبط با فضای مجازی، نقض مالکیت معنوی تا حد زیادی در رسانه آنلاین به جای آفلاین رخ می‌دهد. بنابراین بایست الزاماتی در این خصوص و در حوزه مالکیت‌های ادبی و هنری و صنعتی به وجود آید تا مالکان آثار مزبور بدون دغدغه بتوانند از قدرت و فرصت این فضا بهترین بهره را بدون ترس از به یغمارفتن مایملک خود ببرند. فراغ بال در این عرصه اهمیت فزاینده‌ای در انتقال تکنولوژی دارد، چراکه اگر فضای مزبور از امنیت مناسب و یا ضمانت اجرای مکفی در زمینه حراست از اموال باتوجه به مقررات عام و خاص مسؤولیت داشته باشد، می‌تواند به صورت عادلانه موجبات انتقال تکنولوژی را مهیا کند که برآیند آن هم بهره و سود برای خالق اثر می‌باشد و هم اشخاصی که به هر طریق قانونی تکنولوژی به آن‌ها منتقل شده و تصمیم به استفاده از آن را دارند. به هر حال در ذیل این دو عرصه و الزامات حقوقی مرتبط با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بازخورد با اهمیت مقررات مبتنی بر مسؤولیت و ایجاد مسؤولیت در بستر مالکیت معنوی باید این فرض را در نظر گرفت که فضای سایبری در حال تبدیل شدن به یک منطقه اصلی برای نقض حقوق مالکیت معنوی است. اقدامات مختلف اپراتورهای سایت‌های سایبری منجر به نقض حقوق مالکیت معنوی به طور عام و مالکیت صنعتی به طور خاص می‌شود. در حوزه حقوق مالکیت صنعتی می‌توان به صورت

اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات ۱۳۳۷ می‌باشد، قابل دقت نظر است. در مقام تبیین باید عنوان داشت، در ماده ۶۳ این آیین‌نامه که ماده ۱۸۲ آیین‌نامه جدید جانشین آن شده است، همان کلمه مخالف به کار رفته بود، اما ماده ۶۴ آیین‌نامه موصوف که ماده ۱۸۳ جانشین آن است از «توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی» استفاده کرده بود، نه توقیف محصولات «ناقص» حقوق مالک اختراع (دریایی و نوروزی، ۱۳۹۱: ۸۸) باتوجه به تحلیل‌های فوق باید ادعا کرد، توقیف مذکور را از باب دستور موقت نمی‌توان در نظر گرفت، زیرا صدور تأمین خواسته در جهت توقیف اموال مخالف حقوق دارنده ورقه اختراع، با اهداف این قرار ناسازگار نیست، چه محل فروش آن امکان اجرای محکوم به وجود دارد و مخالف مذکور مترادف با نقض حقوق مالک ورقه اختراع، مانند وجود محصولات تقلبی و تقلیدی نیست که فروش آن به ضرر محکوم‌له باشد. همچنین اگر قالب صحیح هر دو ماده ۱۸۲ و ۱۸۳ آیین‌نامه جدید را دستور موقت بدانیم، در تفسیر ماده ۱۸۴ همین آیین‌نامه، با مشکل مواجه خواهیم شد. مورد بعدی که به نظر می‌رسد در تحلیل این موضوع بایست بیان نمود؛ الزام یا اختیار دادگاه در مطالبه تأمین از متقاضی دستور موقت، میان سیاق مواد ۱۸۲ و ۱۸۳ نیز تفاوت دیده می‌شود (دریایی و نوروزی، ۱۳۹۱: ۸۹).

در نظام حقوقی ایران در خصوص دستور موقت علاوه بر مطالب فوق به طور کلی و در لایحه حمایت از مالکیت فکری که در مجلس در حال بررسی است نیز می‌توان این مهم را مورد بررسی قرار داد. در این راستا ماده ۸۰ این لایحه بیان می‌کند: ماده ۸۰: مراجع قضایی براساس احکام مقرر در قوانین آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) - مصوب ۱۳۷۹ - و آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - و اوضاع و احوال حاکم بر دعوی می‌توانند به تناسب مورد، اقداماتی از جمله آنچه در بند ۱ ماده مزبور به شرح ذیل آمده را به عمل آورند: «صدور دستور موقت مبنی بر منع انجام هرگونه عملی که نقض حقوق مورد حمایت این قانون محسوب می‌گردد.» بنابراین به موجب این ماده علاوه بر مقررات دیگر در این عرصه می‌توان دستور موقت را در مورد حقوق مالکیت فکری اجرا نمود.

پردازش اطلاعات هستند، با دیجیتال سروکار بیشتر دارند، مثل امضای دیجیتال، خط دیجیتال (عالی پور، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

به‌هرحال از موارد فوق واضح است که حفاظت از مالکیت صنعتی با گستره مصدافی آن در فضای سایبری با مسائل بی‌شماری همراه است، اما نقطه مشترک تفسیری که سطوح نقض را جدا می‌کند، ممکن مسأله قصد می‌باشد. انگیزه‌های مبتنی بر سوءنیت باید منجر به خواندن مفاد قانونی و مقرراتی به اشکال سخت‌گیرانه‌تر شود، پس نقض گسترده حقوق مالکیت صنعتی در اینترنت که بر توده‌های بزرگ‌تری تأثیر می‌گذارد، نیازمند حمایت‌های قانونی ضابطه‌مندتری است.

۳- همگرایی‌های سیاست مالکیت فکری و حقوق رقابت

در پرتو تئوری اقتصادی، این گزاره که حقوق مالکیت معنوی و سیاست رقابت، سیاست‌های مکمل یکدیگر هستند، مورد قبول و اثبات واقع شده است. به‌هرحال برخی (Oliveira & Fujiwara, 2007: 31) پژوهش‌ها به صراحت این موضوع را اشاره کرده و این تصور را تقویت می‌کنند که رقابت و مالکیت معنوی سیاست‌های متناقضی نیستند. بنابراین سیاست رقابت مجموعه‌ای از ابزارهایی است که دولت به‌منظور حفاظت و ارتقای فرایند رقابت با هدف دستیابی به کارایی تخصیصی استفاده می‌کند. هنگامی که رقابت وجود ندارد، قدرت بازار اعمال می‌شود و قیمت تعادلی به‌دست‌آمده در سطحی بالاتر از هزینه نهایی است. این امر ناکارآمدی تخصیصی را ایجاد می‌کند. رقابت همچنین به‌عنوان منبع مهم کارایی تولیدی در نظر گرفته می‌شود که زمانی رخ می‌دهد که شرکت‌ها حداکثر بازده ممکن را از مقدار معینی از نهاده‌های تولیدی داشته باشند. در مقابل کارایی پویا، زمانی رخ می‌دهد که جامعه از نوآوری‌هایی که از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه هستند، بهره کامل را ببرند. این نوآوری خلف و آفرینش علم است که در قامت مالکیت فکری تبلور یافته است.

قبل از بحث باید به این مهم اشاره کرد که آیا قدرت بازار باعث نوآوری می‌شود؟ به‌عبارت‌دیگر مؤلفه‌های بازار که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رقابت می‌باشد، می‌تواند موجبی در خلق و آفرینش علم و نوآوری در بازار گردد. این ایده که قدرت بازار

موردی به اسرار تجاری توجه کرد. اسرار تجاری تا زمانی که صاحبان آن اقدامات معقولی برای حفظ اطلاعات به‌نحو سری انجام دهند و این اسرار محرمانه باقی بمانند، دارای ارزش اقتصادی هستند. متعاقباً می‌توان انگیزه انتقال آن را در قالب مؤلفه‌های تکنولوژی را داشت. برای حفظ اسرار تجاری ایجاد امنیت فیزیکی و معقول به‌نحوی که دسترسی افراد غیرمجاز به اسرار تجاری و سرقت آن‌ها را ناممکن گرداند و انعقاد قرارداد عدم افشاء با اشخاصی که به‌صورت مجاز و در حد لازم به اسرار تجاری دسترسی دارند، ولی بایستی متعهد شوند تا از افشای آن و جاسوسی صنعتی و تجاری خودداری کنند، الزامی است. به‌منظور حفظ اسرار تجاری هر شرکتی می‌تواند از اطلاعات محرمانه خود از طریق قراردادهای عدم افشاء با کارکنان خود، در محدوده مقررات قانون کار، حمایت به‌عمل آورد. همچنین می‌توان طرف‌های قرارداد را با درج شرایطی در قرارداد ملزم به عدم افشای اسرار تجاری و عدم ارائه آن‌ها به سایر افراد نمود و بدین‌وسیله از افشای اسرار تجاری، از جمله در محیط‌های مجازی ممانعت نمود. همچنین می‌توان شرط نمود در صورتی که اسرار مورد نظر توسط ایشان افشاء گردد، افشاءکننده مکلف به جبران کلیه خسارات احتمالی وارده گردد و وجه التزام مؤثری را در قبال تخلف از شرط معین نمود.

در عرصه بین‌الملل می‌توان به پروتکل مرتبط با توافق‌نامه مادرید که در ارتباط با ثبت بین‌المللی علائم می‌باشد، اشاره کرد. این پروتکل به این دلیل ایجاد شد که برخی کشورها با عملکرد توافق‌نامه مادرید مشکل داشتند، در نتیجه تعداد بیشتری از صاحبان علائم تجاری از پروتکل مادرید برای حفظ علائم تجاری خود در کشورهای بیگانه استفاده می‌کنند. سیستم لاهه، یک سیستم ثبت بین‌المللی است که مالکان را قادر می‌سازد با کمترین تشریفات و هزینه‌ها از طرح‌های صنعتی خود محافظت کنند. تفاوت الکترونیک و دیجیتال (رقم) در این است که اولی عام‌تر است، یعنی الکترونیک علاوه بر اینکه خبر دیجیتال (صفر و یک) دارد، می‌تواند خبر آنالوگ هم داشته باشد. کاربرد دیجیتال به این دلیل است که پردازش اطلاعات بر مبنای ارقام دو - دویی رمزگذاری شده‌اند، به‌همین دلیل فناوری اطلاعات و فضای سایبر که متکی بر

بازار باشد که به واسطه آن بتوان موجب تقویت آن گردد. در بیشتر موارد، انتظار می‌رود که محصول تحت حمایت حقوق مالکیت معنوی تنها کسری از این بازار مربوطه باشد. علاوه بر این، مالکیت معنوی و مقررات حاکم بر آن معمولاً دارای مکانیسم‌هایی هستند که امکان حضور یک رقیب را در مورد مجوز اجباری فراهم می‌کند. همچنین «محدود کردن استفاده از قدرت بازار» توصیف دقیقی از سیاست رقابت نخواهد بود. یکی از اصول اساسی ضدتراست این است که قدرت بازار به خودی خود غیرقانونی نیست. درجاتی از قدرت بازار برای وقوع سایر پدیده‌های افزایش‌دهنده کارایی مانند صرفه‌جویی، هم‌افزایی، اقتصاد هزینه‌های مبادله و همچنین نوآوری ضروری است. مشکل استفاده نادرست از این قدرت، بازار است (6: Oliveira & Fujiwara, 2007). بنابراین واضح است که فرض کنیم حقوق مالکیت معنوی لزوماً قدرت بازار را ایجاد یا افزایش می‌دهد. به چالش کشیدن قدرت احتمالی بازار اعطاشده توسط این نوع از مالکیت هدف سیاست رقابت نیست. از این رو بهتر است که هر دو سیاست بازار رقابت و مالکیت معنوی را نه متناقض، بلکه مکمل یکدیگر بدانیم. به‌رحال باید اذعان کرد استفاده مکرر و اجرای قوی‌تر از سیستم‌های ثبت اختراع و علامت تجاری، احتمال اقدامات ضد رقابتی را کاهش می‌دهد. این نتایج این گزاره نظری را تأیید می‌کند که مالکیت فکری و مقررات ضد تراست مکمل یکدیگر هستند، نه سیاست‌های متناقض. هدف مشترک و ماهیت مکمل این دو حوزه سیاست ممکن است زمینه همکاری نزدیک‌تر بین آژانس‌های رقابت و مالکیت فکری را تقویت کند.

۴- تمهیدات پیشگیرانه فنی

توسعه تکنولوژی اینترنت، راهکاری برای جلوگیری از نقض مالکیت فکری در سایبری است. شرکت‌ها و اشخاص حقوقی برای حفظ حقوق مالکیت فکری خود گاهی از ابزارهای فنی استفاده می‌کنند، اگرچه فناوری به حفاظت از مالکیت فکری کمک می‌کند، اما دارای نقایصی نیز هست و گاهی تحت نفوذ کاربران ماهر می‌باشد که می‌تواند مهندسان و متخصصان کامپیوتر در رفع نواقص آن بکوشند و به توسعه فناوری جهت حفاظت کامل از مالکیت فکری در سایبری

برای سرمایه‌گذاری و نوآوری در تحقیق و توسعه ضروری است به‌کار جوزف آ. شومپیتر^۱ در دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد. اول، سود انحصاری ممکن است شکل مهمی از تأمین مالی پروژه‌های تحقیق و توسعه باشد؛ دوم، قدرت بازار، سود لازم برای تخصیص سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه را ایجاد می‌کند. شرر و راس^۲ (۱۹۹۰) اشاره می‌کنند که ادبیات نظری در مورد شرط اول به یک نتیجه واحد منجر نمی‌شود. از این پس، اهمیت سود انحصاری در تأمین مالی تحقیق و توسعه عمدتاً یک سؤال تجربی است. متأسفانه همانطور که شرر و راس (۱۹۹۰) نیز خاطرنشان کردند، آزمایش این فرضیه دشوار است، از آنجایی که تعیین فاصله زمانی بین سود و سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه و حذف بازخورد نوآوری نسبت به سود و سایر متغیرهایی که بر این فرایند تأثیر می‌گذارند، دشوار است (Scherer & Ross, 1990: 65)، از جمله این موضوع را می‌توان در تغییرات تقاضا مورد واکاوی قرار داد.

بنابراین سرچشمه این وسواس در این است که آیا مالکیت فکری به بازار قدرت داده و تأثیری در رقابتی‌شدن آن دارد. از سویی دیگر بازار رقابتی و حقوق متناسب به آن تا چه میزان می‌تواند این ارتباط را برقرار کند. این نگاه به این پیش‌شرط می‌پردازد که حقوق مالکیت فکری وقتی می‌تواند در این فرایند مؤثر واقع گردد که قدرت بازار را به نوآوران منتقل کند. بنابراین مالکیت فکری همان رویکردی را ترویج می‌کند که ضدانحصار بازار با هدف بازدارندگی دنبال می‌کند. بخش گمراه‌کننده این امر در منطق داخلی آن نیست، بلکه در مسیری است که هدف سیاست رقابت از یک سو و مکانیسم‌های تأمینی از سوی دیگر را ارائه می‌کند که از طریق آن سیاست مالکیت فکری در بازخورد با بازار باعث ایجاد نوآوری شود.

به‌رحال در این فرایند باید نخست توجه داشت که حقوق مالکیت معنوی لزوماً قدرت بازار را ایجاد یا افزایش نمی‌دهد. این دیدگاه هم در تئوری و هم در سیاست عمومی تقریباً مورد وفاق است. محصول یا فرآیند تولیدی که توسط مالکیت معنوی محافظت می‌شود، ممکن است جایگزین‌هایی برای

^۱ - Joseph A. Schumpeter

^۲ - Scherer and Ross (1990)

می‌توان به‌کار برد، از یک‌سو شامل تدابیر فنی حمایت و حفاظت از آثار و سوی دیگر اطلاعات مرتبط با نظام حقوقی می‌شود (زرکلام، ۱۳۹۵: ۳۸). بنابراین دو عرصه مدیریت و رویکردهای فنی می‌تواند در این عرصه مؤثر باشد تا به‌واسطه این دو حوزه بتوان از حقوق مالکیت معنوی افراد دفاع و حمایت کرد.

اگرچه معاهدات دوگانه سازمان جهانی مالکیت فکری راجع به اجراهای آثار و اجراهای صوتی - تصویری معروف به معاهده پکن و نیز دستورالعمل‌های اروپایی ۱۹۹۱ و ۲۰۰۹ راجع به حمایت حقوقی از برنامه‌های رایانه‌ای، حمایت حقوقی از تدابیر فنی را پیش‌بینی کرده‌اند، اما هیچ یک از این اسناد درباره تعریف تدابیر فنی اشاره‌ای نکرده‌اند و فقط دستورالعمل اروپایی ۲۰۰۱ راجع به هماهنگ‌سازی برخی جنبه‌های حق مؤلف و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعاتی است که در بند ۳ ماده ۶ تدابیر فنی را این‌طور تعریف کرده است: «منظور از تدابیر فنی، هرگونه فناوری، ابزار یا ترکیبی از آن‌هاست که در محدوده عادی کارکردشان، ممانعت یا محدودیت اعمال غیرمجاز توسط دارنده حق مؤلف یا حقوق مرتبط یا حق مؤلف مقرر در قانون یا حقوق خاص مقرر در فصل سوم دستورالعمل سال ۱۹۹۶ را نسبت به آثار یا سایر موضوعات مورد حمایت قرار داده است» (زرکلام، ۱۳۹۵: ۴۰). باین‌حال در مواقعی تدابیر فنی در این حوزه با مدیریت دیجیتال حقوق به مفهوم اخص اشتباه گرفته می‌شود، چراکه این نوع مدیریت به فناوری‌ها و دستاوردهای مهندسان رایانه و نرم‌افزار در این زمینه اطلاق می‌شود که برخی سامانه‌هایی حمایتی و حفاظتی، امکان کنترل دسترسی، کنترل کاربران و عملیات ردیابی را میسر می‌سازد که از آن می‌توان به مدیریت دیجیتالی حقوق به معنای خاص تعبیر کرد (Bitan, 2015: 237).

اقدامات فنی حمایتی، چون فرایند کدگذاری اطلاعات^۱، رمزگذاری و معرفی سخت‌افزاری سری^۲ و واترمارکینگ^۳ راهکارهای فنی حمایتی برای جلوگیری از نقض حقوق کپی‌رایت آثار در فضای الکترونیکی است. حمایت فنی و

پیردازند (رسولی، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۴). این موضوع خود موجبات مدیریت فنی و دیجیتالی را می‌طلبد که جهت نیل به اهداف حقوق رقابت باید بررسی و مورد تحلیل قرار گیرد. به‌هرحال در ذیل مدیریت دیجیتال از یک‌سو و انواع تدابیر فنی از سوی دیگر دو واژه مهم حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت را مورد تدقیق و مطالعه قرار می‌دهیم.

مدیریت دیجیتالی حقوق مالکیت فکری در معنای عام خود به فناوری‌ها و سامانه‌هایی اطلاق می‌شود که در زمینه کنترل مؤثر دسترسی‌ها و مدیریت توزیع و بهره‌برداری از آثار دیجیتالی مورد حمایت را (که شامل آثار ادبی و هنری و نرم‌افزارها و پایگاه‌های داده می‌باشد) تأمین می‌کند که گاه از آن به تدابیر فناورانه حمایتی یا اقدامات فنی حمایتی نام برده می‌شود. این تدابیر یگانه راه‌حل حمایت فنی از آثار مشمول کپی‌رایت در محیط‌های دیجیتالی است، باتوجه به توسعه تجارت الکترونیک و برخط و تنوع محتواهای دیجیتالی، حمایت‌های قانونی و قراردادی از آثار فکری برای مقابله با شبیه‌سازی و نقض حقوق پدیدآورندگان بسیار محدود است (زرکلام، ۱۴۰۰: ۴۱)، البته اشکال مختلف آن همانند موانع فناورانه برای دسترسی به آثار جلوه‌گر می‌شوند (Denoncourt, 2010: 620). این تدابیر در نتیجه معاهده‌های سازمان جهانی مالکیت فکری به راه‌حلی یگانه برای حمایت از آثار مشمول کپی‌رایت در محیط‌های دیجیتالی بدل شده است. درحقیقت باتوجه به توسعه اقتصاد برخط و تعدد و تنوع محتواهای دیجیتالی، حمایت‌های قانونی و قراردادی از آثار فکری برای مقابله با شبیه‌سازی و سایر روش‌های نقض حقوق پدیدآورندگان کافی نیست، در نتیجه مدت زمانی است که دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ، صنعت و اطلاعات و به‌تبع آن‌ها سازمان جهانی مالکیت فکری و اتحادیه اروپا به حمایت‌های دارای ماهیت فنی و اطلاعات مرتبط با آثار روی آورده‌اند. باین‌همه، چنین حمایت‌هایی می‌تواند به حقوق کاربران برای بهره‌برداری شخصی، تهیه نسخه پشتیبان و حریم خصوصی آسیب رساند، امری که تعیین خطوط مرزی بین حمایت از آثار به‌ویژه حقوق پدیدآورندگان آثار فکری از هر نوعی را ایجاب می‌کند. مدیریت دیجیتالی حقوق یا تدابیر فناورانه حمایتی، صرف نظر از اصطلاحی که

^۱ - Encryption

^۲ - Secret Hand Shake

^۳ - Watermarking

دیجیتال و بحث‌های فنی در حمایت از آثار فکری را به‌صورت منصفانه و در کنار روندی رقابتی مورد واکاوی قرار داد که بی‌تأثیر در انتقال دانش و تکنولوژی به‌واسطه آن دور از دسترس نخواهد بود.

۵- تجاری‌سازی اموال فکری به‌عنوان تمهیدی تأمینی و آثار آن در انتقال تکنولوژی

توافق‌نامه‌های انتقال فناوری عموماً برای جامعه موجبات پیشرفت را ایجاد می‌کنند، زیرا نوآوری را تقویت کرده و اساساً منافع کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای مصرف‌کنندگان به‌همراه دارند. با این وجود، این قراردادها ممکن است اثرات ضد رقابتی داشته باشند؛ برای مثال، قراردادهای انحصاری ممکن است رقابت را محدود کنند یا بندهای بازپرداخت - که تحت آن دارنده مجوز باید همه پیشرفت‌ها را افشا کند و به صادرکننده مجوز منتقل دهد - ممکن است انگیزه نوآوری را با کاهش پاداش مورد انتظار برای سرمایه‌گذاری‌های پرخطر کاهش دهد. تحت شرایط خاص، توافقات بین رقبا نیز می‌تواند تبانی را تقویت کند یا به‌طور کلی افزایش قیمت پرداخت‌شده توسط مصرف‌کنندگان نهایی را تعیین کند. بنابراین می‌توان بحث تجاری‌سازی اموال فکری را تمهیدی در جهت انتقال عادلانه تکنولوژی تفسیر و تعبیر نمود.

ترکیب دو نوآوری جدید، یعنی فناوری دیجیتال و اینترنت، توزیع نسخ آثار مشمول کپی‌رایت را در سطح وسیع‌تر و گسترده‌تر با کمترین هزینه و زمان، سهل‌تر و کارآمدتر ساخته است. امروزه بسیاری کشورها در محیط‌های مجازی به خرید و فروش کالاها و خدماتی می‌پردازند که ممکن است واجد حقوق مالکیت فکری (ادبی و هنری - صنعتی) برای پدیدآورندگان آن‌ها باشد، مانند شرکت آمازون که امکان فروش کتاب‌های مختلف را از طریق اینترنت و با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند Word و PDF فراهم می‌آورد، تکنولوژی‌های جدید از یک طرف در جهت منافع پدیدآورندگان آثار فکری بوده و از طرفی موجب ایجاد راه‌های نقض حقوق دارندگان اموال فکری شده است. در بسیاری موارد، اشخاص با تهیه نسخه الکترونیکی از آثار دیگران، آن را از طریق شبکه‌های رایانه‌ای و یا فایل‌های ذخیره‌شده دیجیتال در

تکنولوژیکی، مانع دسترسی غیرمجاز یا استفاده غیرمجاز از آثار مشمول حمایت کپی‌رایت به هر شکلی شده و دائماً به موازات پیشرفت تکنولوژیک، جهت جلوگیری از نقض حقوق به‌روزرسانی می‌شود (صادقی، ۱۳۹۳: ۴). جدیدترین سند بین‌المللی که در آن تدابیر فنی مرتبط با حفاظت از آثار مورد توجه قرار گرفته است، معاهده مراکش ۲۰۱۳ ناظر به «تسهیل دسترسی نابینایان و کم‌بینایان و اشخاص دارای سایر مشکلات خواندن متون چاپی آثار منتشرشده» است. ماده ۷ این معاهده به تعهدات مرتبط با «تدابیر فنی حمایتی» اختصاص دارد (زرکلام، ۱۳۹۵: ۴۳).

در حقوق ایران تا تصویب قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۶ از مفهوم تدابیر فنی و نحوه حمایت حقوقی از آن اثری دیده نمی‌شود و در ایران فقط در ماده ۱ قانون جرایم رایانه‌ای برای اولین بار اصطلاح تدابیر امنیتی به کار برده شده: «هرکس به‌طور غیر مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به‌وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است، دسترسی یابد، به حیس از نودویک روز تا یک‌سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست‌میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم خواهد شد.» حمایت مقنن نه تنها حمایت از داده محتواها، از جمله محصولات فکری، بلکه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی است که با تدابیر امنیتی حفاظت شده‌اند و حمایت از تدابیر فنی را با ضمانت اجرای کیفری بیان کرده است (زرکلام، ۱۳۹۵: ۴۱).

با این بیان و موضوع مدیریت در امر دیجیتالی حقوق این نکته را نباید از خاطر برد که مدیریت کور در این حوزه موجب انسداد جریان آزاد و درست اطلاعات می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر با نیت و انگیزه حمایت از آثار فکری جهت بازاری رقابتی و مفید، این مسأله برجسته گردیده است که استفاده منصفانه در حمایت از مدیریت دیجیتالی حقوق مالکیت فکری می‌تواند به‌صورت عادلانه در انتقال آن نیز مؤثر باشد. در این خصوص دو معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در مورد حق مؤلف مصوب سال ۱۹۹۶ و دیگری راجع به اجراهای صوتی - تصویری مشهور به معاهده پکن ۲۰۱۲ حاوی مقرراتی در خصوص ضمانت اجراهای خنثی‌سازی تدابیر فنی و اطلاعات مرتبط با مدیریت حقوق می‌باشد (زرکلام، ۱۴۰۰: ۶۳). بنابراین در اسناد بین‌المللی نیز می‌توان موضوع مدیریت

تأثیر وجود دارد و اثر تعدیل‌کننده حقوق مالکیت معنوی در فرایند مهاجرت می‌تواند به صورت فزاینده‌ای مثبت ارزشیابی گردد. بنابراین تحرک بین‌المللی اشخاص و سازمان‌های دانش‌محور می‌تواند در بازخورد با مالکیت فکری جنبه‌های مثبت و منفی داشته باشد، پس هرچه در یک جغرافیا حمایت از اموال فکری گسترده‌تر و بهینه‌تر باشد، می‌توان مهاجرت را کمتر در این چرخه مشاهده نمود. در مقابل نیز آفریده‌های صنعتی و تکنولوژی بیشتری جهت مبادله و معامله وجود خواهد داشت. در این راستا دولت‌ها انگیزه‌هایی برای استفاده از حقوق مالکیت معنوی در یک جنگ مناقصه‌ای برای استعدادهای جهانی دارند که منجر به توقف و یا کم‌شدن مهاجرت نخبه‌ها می‌گردد (McAusland & Kuhn, 2010: 23). این انگیزه‌ها با افزایش اندازه و ثروت کشورهای در حال توسعه قوی‌تر نیز می‌شوند. بنابراین به آن‌ها اجازه می‌دهند از شکار «مغزها» از کشور توسط بازارهای بزرگ‌تر و ثروتمندتر جلوگیری کنند.

این واقعیتی است که افراد نخبه به‌علت توانایی بالا در تولید ایده، دانش، علم، فن، فناوری و صنعت جدید همیشه زمینه‌ساز حرکت و پویایی اقتصاد و خالق فرصت‌های شغلی جدید برای جامعه خود هستند، البته این موضوع در کشورهایی اتفاق می‌افتد که از اقتصاد سالم و ساختار هدفمندی برای مدیریت نیروی انسانی برخوردار باشد و توانایی حفظ و حتی جذب دوباره نیروهای از دست‌رفته را داشته باشد. به عقیده کارشناسان بهترین و مطمئن‌ترین نقطه برای سرمایه‌گذاری در خصوص اشتغال و رفع معضل بیکاری در بلندمدت، توجه ویژه به نخبگان، دانشمندان و اندیشمندان جامعه است تا با تولید علم، فن، تکنولوژی و صنعت جدید، فرصت‌های شغلی برگرفته از علم و صنعت داخلی را برای کشور ایجاد کنند. ساده‌ترین راه‌حل برای رسیدن به چنین امکانی فراهم کردن محیطی مساعد برای فعالیت علمی، تحقیقاتی و پژوهشی و همچنین به‌کارگیری نخبگان در لایه‌های مشاوره‌ای و مدیریتی سطح بالای کشور است. رفع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها در گزینش نیروها و حمایت مادی مناسب و تشویق و ترغیب نخبگان به انجام کارهای بزرگ و تأثیرگذار می‌تواند اقدامات مؤثر بعدی در جلوگیری از فرار

اختیار دیگران قرار می‌دهند. ایده بهره‌برداری تجاری از مالکیت فکری، نخستین‌بار در مرکز تحقیقات مهندسی فرایندهای زیستی (BioPER) دانشگاه سان کارلوس (San Carlos) مطرح شد. تمرکز این مرکز بر تحقیق درخصوص پسماند و انرژی منجر به تولید فناوری‌های چشم‌گیر درخصوص پسماندهای جامد شد. مرکز فوق به روش جدیدی برای عناصر سودمند و مفید موجود در ضایعات انبه و تبدیل آن به کالای ارزشمند دست یافت، چراکه پوست انبه حاوی خواص و فواید بسیاری چون حجم بالایی از کربوهیدرات و فیبر و منبعی سرشار از پکتین است و نیز دارای خاصیت آنتی‌اکسیدان و آنتی‌میکروبی است.

سال ۲۰۱۲ پژوهشگران مرکز مذکور، خواهان ثبت اختراع خود در فیلیپین از طریق اداره مالکیت فکری این کشور و سپس ثبت جهانی به‌موجب معاهده همکاری ثبت اختراع^۱ شدند. دفتر حمایت از مالکیت فکری دانشگاه سان کارلوس در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد. این دانشگاه، اولین دفتر حمایت از فناوری و نوآوری در فیلیپین بود که در ثبت اختراع بین‌المللی تحقق تجاری‌سازی اموال فکری تحت نظام معاهده مزبور برای مدیریت فناوری پسماند پیشرو بود و این نشانگر قابلیت درآمدزایی یک نظام مالکیت فکری صحیح و مؤثر است. درواقع این دانشگاه معتقد است روزی خواهد رسید که دانشگاه‌ها بتوانند عواید قابل‌ملاحظه‌ای از محل حق امتیازهای مربوط به تجاری‌سازی بخش تحقیق و توسعه کسب کنند و از منافع تجاری‌سازی مالکیت‌های فکری به‌طور کامل بهره‌مند شوند (Gail, 2017: 201). این درآمدزایی علاوه بر منفعت‌محوری برای دانشگاه و پژوهشگران این عرصه می‌تواند مبنایی جهت انتقال تکنولوژی به صورت منصفانه به‌ویژه اثرات آن در دسترس مصرف‌کنندگان محسوب گردد.

حتی می‌توان ادعان کرد که حفاظت از حقوق مالکیت معنوی یک اثر تعدیل‌کننده مثبت بر رابطه بین مهاجرت و رقابت‌پذیری دارد. این تأثیر با نزدیک شدن فناوری کشور به مرز انتقال فناوری کاهش می‌یابد. با تمرکز بر مهاجرت نخبگان، نویسندگان (Yang & Zhang, 2017: 43) دریافتند که این

^۱ - Patent Cooperation Treaty (PCT)

می‌باشند. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت.

از منظر بین‌المللی نیز این رویکرد همانطور که بیان شد، از دهه قبل مورد عنایت قرار گرفته است. در اسناد بین‌المللی دو معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) یکی به نام معاهده کی‌رایت و وایپو^۱ ۱۹۹۶ و دیگری به نام معاهده اجراها و فنوگراف‌های وایپو سال ۱۹۹۶^۲ در مواردی تحت عنوان «تعهدات راجع به تدابیر فنی» کشورهای عضو را مکلف کرده است که حمایت حقوقی مناسب و ضمانت اجراهای مؤثر برای مقابله با خنثی‌سازی تدابیر فنی مؤثر (که توسط پدیدآورندگان، اجراکنندگان یا صاحبان حقوق آوانگاشت‌ها اعمال می‌شود)، اتخاذ نمایند. معاهده WCT، کنوانسیون برن را که مهم‌ترین معاهده بین‌المللی است به‌روز و تکمیل نمود و در حقوق ایران نیز در ماده ۱ قانون جرایم رایانه‌ای و ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی جدید، نقض تدابیر فنی مرتبط با داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی را جرم دانسته است. منظور از داده‌های مورد حمایت در ماده مذکور، داده محتواسست که شامل اسرار تجاری، حرفه‌ای، اطلاعات مرتبط با حریم خصوصی و آثار ادبی و هنری و سایر موضوعات مورد حمایت حقوق مالکیت فکری است، در لایحه جدید حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۳ نیز توجه به حمایت و حفاظت از آثار فکری در محیط‌های دیجیتالی، یکی از دغدغه‌های قانون‌گذار بوده است (زرکلام، ۱۴۰۰: ۶۳). درنهایت حمایت حقوقی از تدابیر فنی حفاظت از آثار ادبی و هنری و نیز حمایت از اطلاعات مرتبط با نظام حقوقی که در معاهدات وایپو تأکید شده است، نقش مؤثری در حمایت از حقوق پدیدآورندگان ایفا کرده که درنهایت می‌تواند تمهیدی جهت حفظ حقوق مالکان از یک‌سو و حمایت از رقابت‌های عادلانه در سطوح ملی و بین‌المللی با محوریت سرمایه‌گذاری‌های خارجی باشد.

ژن‌ها باشد. متأسفانه روندی که در سال‌های اخیر در کشور با آن مواجه بوده‌ایم، به‌علت عدم مدیریت صحیح در توزیع نیروی تحصیل‌کرده در بازار کار تقویتی بوده است و از سوی نهادهای دولتی و خصوصی بسیاری موقعیت‌های شغلی در کشورهای مثل استرالیا و ... تبلیغ می‌شوند. پایین‌رفتن ارزش تحصیل در کشور به‌علت مشکلات اقتصادی عدیده از یک‌سو و همچنین گرایش عجیب دانشگاه‌های دولتی به جذب دانشجویان براساس شهریه‌های بالا موجب از بین رفتن جایگاه واقعی علم و تحصیل در کشور شده است، این دو پدیده جالب نیز که حاصل ضعف‌های بی‌شمار ساختار سنتی آموزش در کشور می‌باشد، باعث شده‌اند تا وضعیت کشور از نظر عدم پرورش مناسب استعدادها و همچنین تسریع خروج منابع انسانی نخبه به حالت بحرانی برسد. اصول آینده‌نگری و میهن‌اندیشی ایجاب می‌کند تا همه کسانی که دلشان برای ایران و آینده آن می‌سوزد، در این مورد به تفکر بنشینند و تلاش کنند تا این موج منفی به مثبت تبدیل شود و زمینه بازگشت سرمایه‌های علمی و درنهایت اقتصادی به وطن فراهم شود. این موضوع در قالب بیانیه‌ای از سوی فعالان جامعه مدنی ایران در اجلاس منطقه‌ای جامعه اطلاعاتی آسیا و اقیانوسیه که در تهران برگزار گردید، مورد اشاره قرار گرفت و حمایت و توجه اکثر کشورهای آسیایی را در پی داشت.

با این اوصاف، بایست اذعان کرد پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر - به‌ویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون ساخته است. از سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالابردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آن‌ها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی‌شدن ماهیت رقابت‌های تجاری سبب گردیده که کشورهای توسعه‌یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آن‌ها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی

^۱- WCT Wipo Copyright Treaty

^۲- WPPT Wipo Performance and Phonograms Treaty

رقابت رأی مزبور را صادر نموده است. در رأی دیگری نیز که به موجب دادنامه قطعی به شماره: ۹۳۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۵۸۲ و به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ صادر شده: رویه محاکم معتقد است «نام تجاری حتی بدون ثبت نیز، تحت حمایت قانونی بوده و استفاده غیر از آن، خلاف مقررات است.» بنابراین با این رویه می‌توان حمایت‌های موسعی از رقابت عادلانه تجار و شرکت‌های تجاری و تجارتخانه‌ها به عمل آورد.

این رویکرد را در نظام حقوقی آمریکا و انگلیس در پرتو قرارداد عدم رقابت و در قواعد کامن‌لا قابل بررسی است. باین‌حال حکومت مدل دوگانه قضایی و مدل تک‌نهادی اداری در نظام حقوقی آمریکا به‌طور هم‌زمان و موازی در بازخورد با حقوق رقابت اجرا می‌شوند. در این کشور، کمیسیون تجارت فدرال (نهاد واحد اداری) و بخش ضدانحصار وزارت دادگستری در کنار محاکم فدرال (مدل دوگانه قضایی) وظایف مربوط به اجرای حقوق رقابت را برعهده دارند. بخش ضدانحصار وزارت دادگستری آمریکا تحقیقات لازم را درخصوص نقض حقوق رقابت انجام می‌دهد و اگر نقض موردنظر را اثبات کند، اقدام به طرح دعوا در محاکم فدرال می‌کند (خشنودی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۰۹). با این رویکرد می‌توان محدودیت زمانی را در بازخورد با برخی از حمایت‌های منتسب به رقابت آزاد تجاری در قالب قراردادهای ضدرقابت در دو کشور آمریکا و انگلیس مشاهده نمود که مبنای احراز و اعمال آن وضعیتی متعارف است که قانون آن را تعیین می‌کند. به‌عنوان نمونه محدودیت زمانی در صورتی معقول خواهد بود که با عمر مفید اسرار تجاری مطابقت داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر محدودیت زمانی در صورتی که در آینده اسرار تجاری آنقدر قدیمی باشد که برای کارمند سابق نسبتاً بی‌فایده باشد، نمی‌تواند ادامه یابد و بی‌اعتبار تلقی می‌شود. این رویکرد را می‌توان در رویه قضایی به‌موجب پرونده‌ای بین رکتور - فیلیپس - موریس علیه ورومن^۱ نیز واکاوی کرد. به‌موجب این پرونده موضوع، اعتبار یک محدودیت سه‌ساله برای محافظت از اسرار تجاری ادعا شده بود. اسرار تجاری شامل اطلاعات مربوط به در دسترس بودن

۶- حقوق رقابت عادلانه در رویه قضایی با رویکردی تطبیقی در ماده ۴۴ «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» تصریح شده که «هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به‌دنبال داشته باشد، به‌نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد، ممنوع است» و در ادامه ماده مزبور به بیان موارد مربوطه پرداخته است. ماده ۴۵ نیز حکم ممنوعیت اقدامات یک‌جانبه‌ای که سبب اخلال در رقابت می‌شوند را اعلام و به شمارش آن‌ها مبادرت نموده است. این مواد به‌صراحت اشاره‌هایی به توافقات عدم رقابت نموده‌اند، اما با تفسیری وسیع و مسامحه در تعبیر، می‌توان این معنا را از قسمت ۲ بند «الف» ماده ۴۵ که ممنوعیت «وادار کردن اشخاص دیگر به استنکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آن‌ها با رقیب» را اعلام نموده است، استنباط کرد.

این موضوع را می‌توان در برخی از رویه‌های قضایی به‌گونه‌ای دیگر و با احراز و شناسایی حق تقدم در علامت تجاری به‌گونه‌ای دیگر مورد توجه قرار داده‌اند. دادگاه تجدید نظر طی رأیی که دادنامه قطعی آن به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۶۵۳ و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۵ صادره شده است، با این استدلال که مطابق بند «ج» ماده ۶ خامس معاهده پاریس استفاده‌کننده مستمر از یک علامت تجاری برای استفاده‌کننده حق تقدم و مکتسب ایجاد می‌کند، مضافاً به اینکه نام خانوادگی تجدیدنظر خواندگان ردیف دوم و سوم نیز عیناً علامت تجاری مبحث‌عنه است، رأی دادگاه بدوی را تأیید نمود و با این رویکرد می‌توان حمایت از تجارت را با تقابل با رقابت غیر عادلانه مورد توجه قرار داده است. موضوعی که به‌صورت مفهوم مخالف بیانگر حمایت از رقابتی سالم و عادلانه را در بستر تجاری و نیز حوزه مالکیت معنوی دارد.

در رأی دیگری دادگاه به‌موجب دادنامه قطعی شماره: ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۱۰۱۵ در تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۷ در مورد ابطال علامت تجاری با این استدلال رأی صادر نموده که: «دعوی ابطال علامت تجاری مشابه، هرچند علامت مذکور مشابهت دیداری با علامت شرکت خواهان نداشته باشد، ولی کیفیت استفاده از آن در معرفی محصولات از مصادیق رقابت متقلبانه تلقی شود، قابل پذیرش است.» بنابراین در پرتو مقررات عام

^۱- Rector-Phillips-Morse, Inc. v. Vroman

مکانیسم‌های مالکیت معنوی را تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال توافق‌نامه‌های حاکم بر استفاده از منابع ژنتیکی ممکن است به‌عنوان یکی از این مکانیسم‌ها در نظر گرفته شود، زیرا ممکن است شرایطی تعیین شود که به‌عنوان بخشی از مشارکت فناورانه مندرج در توافق‌نامه کارآمدی این موضوع را محک بزند. برای مثال، استفاده مؤثر از اطلاعات ثبت اختراع، ممکن است بستری اطلاعاتی برای تحقیق و توسعه با هدف توسعه فناوری‌های جدید فراهم کند. چندین جنبه از اطلاعات ثبت اختراع ممکن است مربوط به توسعه فناوری مربوط به اجرای این عناصر باشد که در بازخورد با موضوع موردتوجه در مالکیت فکری قابل توسعه و تعمیم است.

بنابراین دسترسی به اطلاعات در مورد فناوری‌هایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی است یا از منابع ژنتیکی حفاظت می‌کند، می‌تواند منشأیی در توسعه تکنولوژی غذایی شود. پس در این خصوص یک خط وجود دارد و آن تولید علم و انتقال تکنولوژی به سمت ظهور آن و مصداق مادی‌دادن به آن است. در این زمینه وقتی اطلاعات در مورد وضعیت قانونی فناوری ثبت اختراع موردنیاز برای ارزیابی آزادی عمل و موانع احتمالی تحقیق و توسعه، ارائه شود، این اطلاعات می‌تواند خود منبعی برای توسعه علم و پویایی بازار و اقتصاد گردد. بنابراین دو مؤلفه انتقال تکنولوژی و اقدامات تأمینی از اموال فکری که اساس تولید و زایش تکنولوژی را برعهده دارد، بایست جهت در دسترس قرارگرفتن همگان به‌ویژه قشر مصرف‌کننده در رقابتی عادلانه قرار گیرد، نه اینکه در محدوده‌ای انحصاری در دست، گروه، سازمان و حتی دولت‌ها.

به‌عنوان احراز ضابطه و معیاری که بایست مدنظر قرار داد و به‌واسطه آن پیوندی ناگسستی بین رقابت در بازار و مالکیت فکری و به‌تبع آن انتقال تکنولوژی ایجاد کرد، درجهت شناسایی حدود اجرای حفظ ثبات در این وضعیت به‌ویژه وقتی موضوع اسرار تجاری و یا مصادیق مبتنی بر حقوق رقابت در مالکیت معنوی نمود داشته باشد، اصول کلی رقابتی به‌طور جامع می‌تواند صاحب‌نظر در تمییز رویکرد جامع نسبت به اجرای قراردادهایی باشد که به‌نوعی رقابت عادلانه و سالم را

املاک تجاری و مسکونی برای فروش و خریداران بالقوه بود. دادگاه اعلام کرد که محدودیت زمانی غیرمنطقی است. تصمیم آن بر این واقعیت استوار بود که شواهد حاکی از آن است که عمر مفید اطلاعات بسیار کمتر از سه‌سال بوده، بنابراین تقاضا و درخواست دعوی حتی در راستای قرارداد عدم رقابت محمل قانونی ندارد.

نتیجه‌گیری

این واقعیتی است که جلوه‌های مختلف مالکیت فکری در صنعت و ... تأثیر به‌سزایی می‌توان در مراحل توسعه فناوری داشته باشد. این تأثیر پیچیده است و طیف وسیعی از گزینه‌ها را می‌تواند دربر گیرد، از جمله این مؤلفه‌ها انتقال تکنولوژی و در بازخورد با این انتقال رویکرد منصفانه و عادلانه آن می‌باشد. با این حال، به‌طور کلی، تأثیر، مزایا و هزینه‌های استفاده از مکانیسم‌های مالکیت فکری در این مرحله تا حد قابل‌توجهی به‌نحوه استفاده از این مکانیسم‌ها به‌معنای پویا بستگی دارد. هنگامی که این اقدامات به‌طور عادلانه و مؤثر مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید منافع را افزایش داده و هزینه‌ها را کاهش داد. بنابراین تجزیه و تحلیل، ممکن است در نظر گرفته شود که چه نوع استفاده یا رویکردهایی برای اعمال این اقدامات، منافع موردنظر را تأمین می‌کند. علاوه بر این، توسعه فناوری را نمی‌توان جدا از زمینه گسترده مالکیت فکری در نظر گرفت، چراکه هر فرآیند توسعه فناوری و خلق آن بستگی به فرآیندی پیچیده‌تری در انتقال آن و بهره و استفاده از آن علم و ایده در قالب فناوری، خدمات و ... دارد. فناوری پیشینه و توانمند معمولاً یکی از مجموعه‌ای از ورودی‌های موردنیاز برای تولید علوم جدید است که مسیر آن از حمایت مالکیت فکری و تولید فکر می‌گذرد.

هرچند منابع مالی، لجستیکی و انسانی در این فرایند مهم و اساسی است، اما تولید و بهره‌بردن از آن فرایندی است که این منابع باید در خدمت گرفته شود و تنها می‌توان آن را در رقابت عادلانه انتقال تکنولوژی مورد واکاوی قرار داد. به‌همین ترتیب، بسیاری از توسعه فناوری از طریق شکل‌های مختلف مشارکت، توافق‌نامه‌های تحقیقاتی و ساختارهای سازمانی صورت می‌گیرد که نحوه و میزان استفاده از

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- جوهری، مهدی؛ صادقی، محمود؛ شهبازی‌نیا، مرتضی و مهاجری، علی (۱۳۹۱). «اقدامات تأمینی و موقتی در دعوی حقوق مالکیت صنعتی؛ (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و موافقت‌نامه تریپس)». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)*، ۱۶(۱): ۱-۲۵.

- خاتمی، همایون (۱۳۷۶). *بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

- خشنودی، رضا و حسینی، مینا (۱۳۹۵). «ماهیت حقوقی شورای رقابت و تجدید نظر از آرای آن». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۹(۷۵): ۲۰۱-۲۲۵.

- دریایی، رضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نظام دستور موقت در حقوق مالکیت صنعتی ایران و موافقت‌نامه تریپس». *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۶(۱): ۷۹-۱۰۴.

- رزمی، حمید (۱۳۹۱). *حقوق مالکیت معنوی و انتقال تکنولوژی*. برگرفته از سایت: <http://www.razmilawyer.ir/articles/7417/>

- رسولی، عبدالرشید (۱۳۹۲). *بررسی نقض مالکیت فکری در فضای اینترنت*. نام استاد راهنما حاتم صادقی زیازی، تهران: دانشکده حقوق تهران مرکز.

- رهبری، ابراهیم و کاظمی آهویی، نجمه (۱۳۹۳). «تحلیل اعتبار شرط عدم رقابت در قراردادهای کار». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۷(۶۵): ۱۸۷-۲۱۲.

- زرکلام، ستار (۱۳۹۵). «مدیریت دیجیتالی حقوق مالکیت ادبی و هنری». *فصلنامه حقوق پزشکی (ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری)*، ۱۰(۵): ۳۷-۷۵.

- زرکلام، ستار (۱۴۰۰). *حقوق تجارت الکترونیک*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات شهر دانش.

مورد حمایت قرار می‌دهد، ولیکن به معنای خاص و جزئی‌تر، حقیقتاً در تفسیر و تمییز چنین مورد استثنایی که با علم و مباحث تخصصی و حاصل شکوفایی است، ضعیف عمل می‌شود. حقوق ایران و حتی در نظام‌های حقوقی پیشرو، چون آمریکا و انگلیس که با قاعده‌مندی در حوزه تراست و مقررات ضدانحصار رویه‌های حمایتی از رقابت، از جمله قراردادهای عدم رقابت و حفظ اسرار تجاری را در دستور کار خود قرار داده و تعیین ضابطه‌مندی و چارچوب‌های اعتباربخشی را در برابر این قراردادهای بیان داشته‌اند، در اجرای قراردادهای عدم رقابت متعارض و به‌طور مبهم عمل می‌نمایند. با رویکردهای متفاوتی که در مقابل حقوق رقابت از یکسو و ارتباطبخشی آن‌ها با مالکیت فکری و حمایت آن‌ها مثل علائم تجاری و... با اقدامات تأمینی، چون دستور موقت، تأمین خواسته و یا اقدامات فنی و ... به‌واسطه قراردادهای، از سوی دیگر صورت می‌پذیرد، می‌توان مالکیت معنوی را ابزار تولید دانش دانست. به‌هرحال ماهیت حقوق رقابت وقتی صحیح است که عملکردی پیشگیرانه داشته باشد و میزان غایی کارکرد آن‌ها در انتقال تکنولوژی اگر مشخص نمی‌باشد، اما گستره وسیعی را دربر گیرد. اگر این‌گونه نباشد و با این نگاه به این مقوله پیچیده نگریسته نشود، موجب تضییع حقوق صاحبان این حقوق و ناامیدی ممتازان علم و توسعه می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

- واحدی، جواد (۱۳۷۱). «نقدی بر مواد ۲۲۵ و ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی». *مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران*، ۴: ۴۳-۵۶.

ب. منابع انگلیسی

- Bender, D. (1970). "Trade Secret Protection of Software". *GEO. WASH. L. REV.*, 38: 909-934.

- Bitan, H (2015). *Droit et Expertise du Numérique*. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer.

- Blake, H (1959). *Supra Note 8, at 678*. Cf, *Todd Chem. Co. v. Distefao*, 30 AD.2d 879, 292 N.Y.S.2d 811.

- Bodman, P & Le, T (2013). "Assessing the Roles that Absorptive Capacity and Economic Distance Play in the Foreign Direct Investment-Productivity Growth Nexus". *Applied Economics*, 45(8): 1027-1039.

- Coe, D & Helpman, E (1995). "International R & D Spillovers". *European Economic Review*, 39(5): 859-887.

- Coe, D; Helpman, E & Hoffmaister, A (1997). "North-South R & D Spillovers". *The Economic Journal*, 107(440): 134-149.

- Denoncourt, J (2010). *Intellectual Property Law, Q & A Routledge Questions & Answers Series*. London: Routledge.

- Kwark, N & Shyn, Y (2006). "International R & D Spillovers Revisited: Human Capital as an Absorptive Capacity for Foreign Technology". *International Economic Journal*, 20(2): 179-196.

- Lambert, J (1919). *Eastmao Kodak Co. v. Powers Film Prods., Inc.* 189 A.D. 556, 179 N.Y.S. 325.

- Le, T (2008). "'Brain Drain' or 'Brain Circulation': Evidence from OECD's International Migration and R & D Spillovers". *Scottish Journal of Political Economy*, 55(5): 618-636.

- Le, T & Bodman, P (2011). "Remittances or Technological Diffusion: Which Drives Domestic

- سلامی، رضا (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر حقوق مالکیت فکری بر انتقال فناوری و نوآوری مبتنی بر DUI در بستر اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه». *فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی*، ۱۷(۳۶): ۵۹-۷۳.

- شمس، عبدالله (۱۳۹۹). *آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم، چاپ پنجاه و چهارم، تهران: انتشارات دراک.

- صادقی، حسین (۱۳۹۳). «حمایت از حقوق مؤلف در فضای سایبر در حقوق ملی و اسناد بین‌المللی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۶۵: ۳۷-۶۲.

- صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۸). *حق اختراع نگرش تطبیقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۹). *حقوق کیفری فناوری اطلاعات*. تهران: انتشارات خرسندی.

- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی فراملی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی؛ دانش‌ناری، حمیدرضا و ساعت‌چی، علی (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا». *دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)*، ۲۰(۴): ۱۰۴-۱۳۳.

- متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.

- مهاجری، علی (۱۳۹۸). *آیین قضاوت مدنی در محاکم ایران*. چاپ دهم، تهران: انتشارات فکرسازان.

- مهرگان، مهدی و چرختاب مقدم، جهان‌شاه (۱۳۹۷). «یک مدل تولید و انتقال فناوری مبتنی بر مالکیت معنوی در کشورهای در حال توسعه». *نشریه رشد فناوری*، ۱۵(۵۷): ۵۴-۶۵.

- نهرینی، فریدون (۱۳۹۵). *دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- Yang, X & Zhang, H (2017). "Intellectual Property Rights, Migrants and Competitiveness". *International Journal of Development Issues*, 16(1): 43-53.
- Gains from Brain Drain?". *Applied Economics*, 43(18): 2277-2285.
- Mak, C (2008). *Fundamental Rights in European Contract Law*. Deventer: Kluwer Law International.
- McAusland, C & Kuhn, P (2010). "Bidding for Brains: Intellectual Property Rights and the International Migration of Knowledge Workers". *Journal of Development Economics*, 95(1): 77-87.
- Oliveira, G & Fujiwara, T (2007). *Intellectual Property and Competition as Complementary Policies: A Test Using an Ordered Probit Model*. Textos Para Discussão 152, FGV EESP - Escola de Economia de São Paulo, Fundação Getulio Vargas (Brazil).
- Park, J (2004). "International Student Flows and R & D Spillovers". *Economics Letters*, 82(3): 315-320.
- Rector-Phillips-Morse Inc. v. Vroman (1973). 253 Ark. 750,489 S.W.2d 1.
- Scherer, F & Ross, D (1990). *Industrial Market Structure and Economic Performance*. Boston: Houghton-Mifflin.
- Soete, L & Patel, P (1985). "Recherche-Développement Importations de Technologie et Croissance Économique: Une Tentative de Comparaison Internationale". *Revue Économique*, 36(5): 975-1000.
- Uddin, M & Karim, S (2020). "International Law and South-South Cooperation for Innovation and Transfer of Green Technologies". *Geo. Wash. Int'l L. Rev.*, 52: 355-391.
- Uddin, M (2022). "Intellectual Property Rights and Competition Law for Transfer of Environmentally Sound Technologies". *Pace Int'l L. Rev.*, 34(2): 63-100.
- Van Norman, G & Eisenkot, R (2017). "Technology Transfer: From the Research Bench to Commercialization: Part 2: The Commercialization Process". *Basic to Translational Science*, 2(2): 197-208.